



مقایسه رویکرد حکمرانی در حوزه زنان و خانواده در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ براساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام

مونس سیاح، نیلوفر شرفی

چکیده. با توجه به نقش زنان در جامعه به‌عنوان نیمی از اعضای آن و همچنین تربیت‌کنندگان نیم دیگر آن، سیاست‌گذاری و حکمرانی در حوزه زن و خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طبعاً دین اسلام در این حوزه، دیدگاه و نظریه ویژه‌ای را در قالب آموزه‌های وحیانی و معارف قرآنی ارائه می‌نماید؛ که تبیین و تشریح آن می‌تواند در تعیین مسیر مطلوب برای حکمرانی در یک جامعه دینی راهگشا باشد. به‌این‌ترتیب لازم است میزان انطباق اسناد بالادستی نظام با این اصول به‌صورت مداوم پایش شده و کاستی‌های آن‌ها تبیین و در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها لحاظ شود. در این تحقیق ابتدا با مطالعه منابع موجود در خصوص تطبیق مؤلفه‌های حکمرانی خوب با مبانی اسلامی، فهرستی از این مؤلفه‌ها تهیه شده و سپس با بررسی مقایسه‌ای پیشنهادی «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و بند پنجم «سند توسعه پایدار ۲۰۳۰»، چگونگی تطبیق این دو سند در حوزه زنان و خانواده با مؤلفه‌های مذکور تحلیل شده است. درنهایت، پیشنهادهایی جهت بهبود و ارتقای برنامه عمل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، برای انطباق بیشتر با الگوی حکمرانی خوب از منظر اسلام در حوزه زنان و خانواده ارائه شده است.

کلیدواژگان: حکمرانی خوب، حکمرانی اسلامی، زنان و خانواده، سیاست‌گذاری عمومی

Comparison of Women and Family Governance Approach in Iranian Islamic Model of Progress and Sustainable Development Document 2030 Based on Good Governance Components from the Islamic Perspective

Abstract. Given the role of women in society as half of its members as well as the nurturer of the other half, policymaking and governance in the field of women and family is of particular importance. Since the religion of Islam offers a specific view in this field, it is necessary for policymakers of a religious community to continuously monitor the conformity of the system's upstream documents with this point of view. In this study, we compiled a list of components of "Good Governance" from the Islamic Perspective by studying the available resources, and then we compared the proposals of the "Islamic-Iranian Model of Progress" and Section 5 of "The Sustainable Development Document 2030" with these components.

Keywords: Good Governance, Islamic Governance, Woman and the Family, Public Policymaking

۱- مقدمه

با توجه به نقش زنان در جامعه به‌عنوان نیمی از اعضای آن و همچنین تربیت‌کنندگان نیم دیگر آن، سیاست‌گذاری و حکمرانی در حوزه زن و خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زنان در مقایسه با مردان، دارای نیازها، تمایلات و روحیات متفاوتی هستند و لذا اقتضائات متفاوتی برای نقش‌پذیری اجتماعی دارند که توجه به این موضوع، می‌تواند علاوه بر ایجاد عدالت اجتماعی، زمینه کارایی و تاثیرگذاری بیشتر حکومت را در دستیابی به اهداف اسلام فراهم آورد. در این خصوص، باید توجه داشت که اسناد بالادستی هر کشور، مهم‌ترین تجلی‌گاه سیاست‌ها و تعیین‌کننده اصلی چارچوب اداره آن کشور هستند و لذا تدوین آن اسناد مبتنی بر مبانی موردپذیرش مردم، جهت نیل به اهداف جمعی ایشان حائز اهمیت است.

جمهوری اسلامی ایران نیز از این اصل مستثنا نیست و از این‌رو، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌عنوان نقشه راه پیشرفت کشور، در مقابل الگوی جهانی توسعه پایدار طراحی و تدوین شده است. الگوی پیشرفت، با هدف قرب انسان به خداوند

به‌عنوان جایگزین الگوی توسعه که هدف آن رساندن انسان به حداکثر تمتعات و لذات مادی است مطرح است. این الگو با مبنا قرار دادن هدف خلقت انسان، یعنی عبودیت و نیازهای مادی و معنوی او در کنار یکدیگر، بستری را فراهم می‌کند تا انسان‌ها در جامعه اسلامی با آرامش و درحالی‌که نیازهای مختلف آن‌ها به میزان لازم برآورده شده است، مسیر قرب الهی را طی نمایند. (مختاریان‌پور، ۱۳۹۴: ۶۸)

به این منظور، در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، شاخص‌هایی متناسب با همین مختصات طراحی شده‌اند. باید توجه داشت که شاخص‌های کنونی توسعه در پارادایم مدرن و با توجه به مبانی و غایات آن تعریف شده‌اند و از آنجاکه در آن‌ها به نیازهای مادی و معنوی انسان به‌طور جامع، مرتبط با هم و یکپارچه توجه نشده است، لذا مبنا قرار دادن آن‌ها ما را به هدف تعالی و پیشرفت در نگاه اسلامی نمی‌رساند. بالعکس، از این جهت که شاخص‌های در نظر گرفته شده برای توسعه با نگاه دینی زاویه زیادی دارد، تلاش برای تحقق این شاخص‌ها در جامعه، این زاویه را در قالب انحراف جامعه از ارزش‌ها و تفکر دینی بازتولید می‌کند. از این‌رو ضروری است شاخص‌های تعالی در چارچوبی خدامحور در مقابل شاخص‌های توسعه که براساس نگاه اومانیستی و منقطع از عالم غیب تعریف شده‌اند، تبیین و تشریح شوند. (مختاریان‌پور، ۱۳۹۴: ۶۹)

در این تحقیق، پس از ارائه توضیح مختصری در خصوص دیدگاه اسلام به زنان و خانواده در مقایسه با دیدگاه فمینیستی - که دیدگاه غالب در اسناد بین‌المللی بالادستی از جمله سند ۲۰۳۰ در حوزه زنان است- توضیحاتی در معرفی اصطلاح بین‌المللی «حکمرانی خوب» ارائه شده و شاخص‌های آن به‌طور خلاصه بیان شده است. سپس با مرور پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص تطبیق مؤلفه‌های حکمرانی خوب با مبانی اسلامی، فهرستی از این مؤلفه‌ها در ۱۰ عنوان تهیه شده است. در بخش بعد، با بررسی مقایسه‌ای پیشنهادهای «الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» و «سند توسعه پایدار ۲۰۳۰» (خصوصاً بند پنجم این سند که ناظر به حمایت از حقوق زنان است)، چگونگی تطبیق این دو سند در حوزه زنان و خانواده با مؤلفه‌های مذکور تحلیل شده است. درنهایت، پیشنهادهایی جهت بهبود و ارتقای برنامه عمل الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، برای انطباق بیشتر با الگوی حکمرانی خوب از منظر اسلام در حوزه زنان و خانواده ارائه شده است.

۲- ادبیات نظری

در این بخش ابتدا دیدگاه اسلام و فمینیسم در خصوص زنان و خانواده با یکدیگر مقایسه شده و سپس با معرفی مفهوم حکمرانی خوب، بنابر پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، فهرستی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام تهیه شده است.

۲-۱- مقایسه دیدگاه اسلام و فمینیسم در رابطه با زنان و خانواده

جایگاه زنان در دیدگاه اسلام، ویژه و بی‌بدیل است. آیات زیادی از قرآن کریم مربوط به مسائل و احکام زنان است؛ به‌طوری‌که آن مقدار که درباره احکام نساء در قرآن کریم آمده درباره رجال ذکر نشده است. از صدر اسلام تاکنون قرآن کریم، تمام قامت برابر فرهنگ و سنت عرب جاهلی ایستاده و برای اهل ایمان درباره اهتمام به حقوق و منزلت زن در تمام عرصه‌ها، توضیح داده است. در این کتاب آسمانی، برای آن‌که کسی تصور نکند که راه کسب مقامات معنوی از یک جا به بعد مختص مردان است، در کنار هر مرتبه‌ای برای مردان از زنان هم یاد شده است؛ که آیه ۳۵ سوره احزاب نمونه‌ای از این موضوع است: «به‌یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن، مردان مطیع و خاضع و زنان مطیع و خاضع و مردان راست‌گو و زنان راست‌گو و مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا و مردان فروتن از درون قلب و زنان فروتن از درون قلب و مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردان حافظ شهوات و زنان حافظ شهوات و مردان بسیار یادکننده خدا و زنان یادکننده، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است.»^۱ به این ترتیب می‌توان اهتمام نظام اسلامی به حقوق و منزلت زنان را دارای ریشه در فرهنگ قرآنی و سنت اسلامی دانست. (مه‌دوی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۳۳۸-۳۳۹)

از منظر اسلام و رهبران جمهوری اسلامی ایران، زن به‌عنوان ذخیره الهی، سرمایه کمال و انسانیت، سرمایه علمی، فرهنگی و اجتماعی و چشمه تمام‌نشدنی عشق و محبت در خانواده است. وجود زن ارزشمند است و حضورش باعث کامل شدن زن‌جیره

^۱ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّالِمِينَ وَالصَّالِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب)

کمال، سعادت و رشد جامعه بشری می‌شود؛ لذا بایستی پرورش یابد و هدایت شود. او مولد ظرفیت‌ها و فرصت‌های کلیدی است و در شکل‌گیری و پیشبرد جامعه انسانی، نقش اساسی، بی‌بدیل و منحصر به فرد دارد. در اسلام به جنبه‌های رشد، کمال، اعتلا و نیازهای فردی زنان به‌عنوان یک انسان کامل توجه شده است؛ چراکه زن در اسلام، حامی، پشتیبان و نقطه اتکای اعضای خانواده و راهبر و کارگردان و فعال در امور اجتماعی است. به این ترتیب با توجه به همه ابعاد وجودی خود به‌ویژه ابعاد معنوی خویش بر انتظارات اقشار مختلف جامعه نسبت به خود تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را جهت می‌دهد. او به‌عنوان یک انسان کامل، مسئول و پاسخگوی جریان‌ات و تحولات پیرامون خویش و حلال مشکلات و مسائل خویش و دیگران است. در این دیدگاه، زن به ظرفیت‌های وجودی خویش و نقش‌های فطری خود می‌بالد و عینیت بخشیدن به آن‌ها را نهایت کمال خویش می‌شمرد. (اعظم رامپناهی، ۱۳۹۱: ۳۹۷-۳۹۸)

اما با این وجود، حضور نظریات مختلفی ترویج هر چه بیشتر گفتمان اسلامی در حوزه زنان را تهدید می‌کنند که نگرش فمینیستی مهم‌ترین این نظریات است. سکولاریسم جهانی وظیفه و مأموریت سکولار شدن جوامع به‌ویژه جوامع اسلامی در بخش زنان را برعهده فمینیسم جهانی گذاشته است. فمینیسم، عقیده و ایدئولوژی زن متجدد است که روش‌ها و تکنیک‌های مختلف را برای تحقق خواسته‌های عقیدتی خود استخدام می‌کند. از منظر فمینیسم، تمام احکام اسلامی درباره زنان، همچون مسئله تلقی می‌شود. به این ترتیب درواقع مهم‌ترین پیامد فراگیر شدن دیدگاه فمینیستی در عرصه حکمرانی، جابه‌جا شدن مسئله و راه‌حل در دیدگاه سیاست‌گذاران است؛ که می‌تواند منجر به ارائه راهکارهای التقاطی توسط ایشان بشود. اگر کارگزار فرهنگی نظام اسلامی بخواهد از افق فمینیستی به مسائل زنان نگاه کند، هرگز نمی‌تواند ادامه‌دهنده راه علمای راستین اسلام باشد. درواقع، او مرتکب دو خطا شده است: خطا در تشخیص مسئله و خطا در ارائه راه‌حل. پیامد نهادینه شدن چنین خطای بزرگی فاصله گرفتن از آرمان و پیام اصلی انقلاب اسلامی و تبدیل شدن انقلاب به ضد خود خواهد بود. (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۳۴۱-۳۴۰)

در موضوع خانواده نیز فمینیسم دارای دیدگاه‌هایی است که با کارکرد نهاد خانواده از منظر اسلام دارای تعارض است. فمینیست‌ها عموماً واقعیت خارجی این کارکردها را به‌عنوان کارکرد خانواده می‌پذیرند، اما به لحاظ ارزشی آن‌ها را مردود می‌شمارند یا خواهان ایجاد تغییراتی در آن‌ها هستند. به علاوه فمینیسم با ترویج تئوری‌هایی مانند: اشتغال زنان، هم‌جنس‌گرایی، آزادی روابط جنسی، هم‌زیستی مشترک، ترویج طلاق بدون تقصیر، سقط جنین، ترویج پورنوگرافی، ترویج مهدکودک‌ها و همسانی نقش‌های جنسیتی زن و مرد، در عمل موجبات ضعف و اختلال در کارکردهای خانواده را ایجاد نموده است. هر یک از این تئوری‌ها به تناسب بر هر یک از کارکردهای خانواده اثرگذار بوده و اثرات مخربی را بر آن‌ها داشته‌اند. (عظیم زاده و معینی فر، ۱۳۹۱: ۳۳۳-۳۳۴)

نهایتاً در دیدگاه فمینیستی، فردیت گرایی برخاسته از سکولاریسم جهانی مورد تأکید است (مهدوی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۳۳۹) و سیاست‌گذاری در عرصه زنان و خانواده به‌عنوان دو مقوله کاملاً قابل تفکیک در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که در دیدگاه اسلام، زن و خانواده عناصری جداناپذیرند و سیاست‌گذاری در این دو حوزه به‌صورت جداگانه امکان‌پذیر نیست؛ چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «هرکس اگر مسئله زن را جدا از مسئله خانواده مورد بررسی قرار دهد در فهم مسئله و تشخیص علاج آن، دچار اختلال می‌شود». (دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰)

۲-۲- حکمرانی خوب

«حکمرانی خوب»^۱ اصطلاحی است که محافل علمی و کشورهای گوناگون برحسب نوع هدف، گرایش به یک نهاد خاص و شیوه دستیابی از آن تعاریف متفاوتی به دست داده‌اند و برای آن ویژگی‌های متنوعی برشمرده‌اند. (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۵) درواقع به جهت جدید بودن این مفهوم، تعبیر و تفاسیر متفاوتی از آن ارائه شده است به‌طوری‌که برخی افراد یا نهادها آن را با ویژگی‌هایش تعریف می‌کنند و برخی دیگر آن را با عناصرش معرفی می‌نمایند. (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۷)

در سال ۱۹۸۹، اصطلاح حکمرانی خوب برای اولین بار توسط بانک جهانی^۲ مطرح شد و تأکید آن بر تصمیم‌هایی بود که امکان تاثیرگذاری بر عملکرد اقتصادی کشورها را فراهم می‌ساخت. بعدها علاوه بر بعد اقتصادی، بعد سیاسی نیز به آن افزوده

¹ Good Governance

² World Bank

شد که شامل ویژگی‌هایی نظیر: مشروعیت دولتی، پاسخگویی دولتی، تحقق حقوق بشر از طریق حاکمیت قانون و شایستگی دولتی بود. (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۵)

هم‌اکنون متولی اصلی پایش و نظارت بر تحقق حکمرانی خوب در کشورها، برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ است که در بیش از ۱۶۶ کشور دنیا به فعالیت مشغول است؛ چراکه در دیدگاه مسئولان سازمان ملل متحد، می‌توان حکمرانی خوب را تمرین قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری کشورها در تمام سطوح به‌منظور ایجاد توسعه پایدار انسانی دانست. برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور کشور در کلیه سطوح می‌داند. براساس این تعریف، حکمرانی خوب شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به‌واسطه آن شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال کرده، حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند، تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند. (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۷) برنامه توسعه سازمان ملل متحد حکمرانی خوب را با ۸ شاخص اصلی معرفی می‌کند:

۱- **پاسخگویی:** تصمیم‌گیران بخش دولتی، خصوصی و مدنی بایستی نسبت به مسائل عمومی همانند منافع سازمانی و سهامداران خود پاسخگو باشند.

۲- **شفافیت:** به معنای آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن آن برای همه کسانی که در ارتباط با تصمیمات هستند.

۳- **حاکمیت قانون و پیروی از قانون:** یک حکومت خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی قوی است تا بتواند منصفانه و درست عمل کند. همچنین بایستی از حقوق افراد کاملاً محافظت کند و از دستگاه قضایی و امنیتی قوی برخوردار باشد تا بتواند قوانین را اعمال نماید.

۴- **مشارکت:** نظرات همه افراد باید در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود. به‌عبارت‌دیگر، همه افراد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بایستی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت نمایند. البته برای تحقق چنین هدفی، ابتدا شهروندان باید مشارکت را تمرین کرده و به‌تدریج یک جامعه مدنی سازمان‌دهی شده، شکل گرفته و در کنار آن آزادی‌های اساسی نظیر آزادی بیان و اجتماعات تضمین شود.

۵- **مسئولیت‌پذیری:** حکومت خوب نیازمند آن است که نهادها و فرآیندها به همه ذی‌نفعان در یک فرصت مقتضی خدمات ارائه دهد. این امر زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای مذکور نسبت به خواست‌ها، انتظارات و نیازهای افراد و گروه‌ها حساس و مسئول باشند.

۶- **اجماع محوری:** حکمرانی خوب مستلزم میانجی‌گری بین دیدگاه‌ها و منافع مختلف موجود در سطح جامعه به‌منظور نیل به‌نوعی اجتماع گسترده در خصوص ارزش‌های سیاسی، بهترین خیر و مصلحت برای کل جامعه و نیز چگونگی دستیابی به آن است. چنین حکومتی بایستی فرصت‌ها را در اختیار همه افراد و گروه‌های جامعه قرار دهد.

۷- **کارآیی و اثربخشی:** حکمرانی خوب مستلزم وجود فرآیندها و نهادهایی است که حاصل آن تأمین نیازهای جامعه، توأم با بهترین استفاده از منابع در دسترس می‌باشد. مفهوم کارآیی و اثربخشی در چارچوب حکمرانی خوب دربرگیرنده استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست است.

۸- **انصاف و عدالت:** در حکمرانی خوب همه افراد بایستی از فرصت‌ها بهره‌مند شوند و همه آن‌ها به‌ویژه قشر آسیب‌پذیر بایستی از فرصت رشد و توسعه برخوردار باشند. (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۰۱-۱۰۲)

درنهایت باید توجه داشت که حکمرانی خوب در تمامی تعاریف و اشکال آن، یک عبارت هنجاری است. درواقع اوصاف خوب-بد، قوی-ضعیف، تعالی و... همه به‌نوعی گزاره‌های ارزشی، هنجاری و تجویزی می‌سازند و جدال‌هایی که در سطح جهان درباره شاخص‌های حکمرانی خوب وجود دارد، از نوع ایدئولوژی-بومی و مبتنی بر نوع اداره عمومی و چارچوب‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... کشورهاست. به‌علاوه، خصوصیات هنجاری این چارچوب‌ها سبب موقعیتی می‌شود که حتی ویژگی‌های مشابه، تفاسیر متفاوت و متنوعی داشته باشند. به‌عنوان مثال مفاهیمی همچون حمایت جامع و کامل از حقوق بشر، پاسخگویی

¹ UNDP (United Nations Development Programme)

سازمان‌های دولتی در قبال تصمیمات اتخاذشده، مشارکت معنی‌دار شهروندان در مباحث خط‌مشی‌گذاری، آزادی، عدالت و... که به‌عنوان ویژگی‌ها و اجزاء حکمرانی خوب مطرح می‌شوند، همگی مفاهیم ارزشی هستند که دستیابی به آن‌ها نیازمند شناخت و تعریف دقیق شاخص‌های عملیاتی در بستر طرح این اصطلاحات است. از سوی دیگر، حکمرانی خوب وسیله‌ای برای دست یافتن به یک یا چند هدف مطلوب است و بنابر آن اهداف، شاخص‌های اندازه‌گیری حکمرانی خوب تعیین می‌شوند. (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۶) به‌این‌ترتیب، اصطلاح «حکمرانی خوب از منظر اسلام» به‌عنوان یک اصطلاح معتبر در ادبیات علم حکمرانی قابل طرح و تعریف است.

۲-۳- مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام

پژوهش‌های متعددی در زمینه حکمرانی خوب از منظر اسلام و یا رهبران بزرگ اسلامی انجام شده است. در این بخش با مرور این پژوهش‌ها، مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام استخراج و دسته‌بندی شده است.

۱-۲-۳- **خدامحوری:** از جمله ویژگی‌های حکومت اسلامی که آن را از سایر حکومت‌های سیاسی متمایز می‌سازد، اهدافی است که حکومت براساس آن شکل می‌گیرد. هدف اصلی خداوند از آفرینش، دستیابی انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این‌رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و دستیابی انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف این حکومت، ابزار لازم برای دستیابی به این هدف را فراهم می‌سازند. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶) از این‌رو، مهم‌ترین اصل در الگوی مطلوب حکمرانی اسلامی، خدامحوری است. این اصل، دربردارنده ۴ اصل به‌صورت ضمنی است: اصل اعتقاد به یگانگی خداوند یا توحید، اصل حکومت خدا بر همه آفریده‌ها، اصل انسان خلیفه‌الله و اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش. (آقایی جنت‌مکان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۸) تجلی خدامحوری در الگوی حکمرانی به این معنی است که حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداوند است و خداوند، انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است. بنابراین هیچ‌کس و هیچ قدرتی نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاص دیگری قرار دهد. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۲) مبتنی بر این حاکمیت است که بنیان حکومت اسلامی و اجزای آن، به‌عنوان حکمرانی زمینه‌ساز ظهور امام عصر (عج) شکل گرفته و حیات می‌یابند تا حاکمیت مطلق خداوند در زمان ظهور تجلی یابد. مفهوم توحید و خدامحوری به معنای، اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت است؛ یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و طغیانگر بر ارزش‌های انسانی و اصیل. (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰)

به‌این‌ترتیب، وقتی انسان یادآور مالکیت خدا نسبت به همه‌چیز شود، هیچ مالکیتی برای او نمی‌ماند و عملش سمت‌وسوی خدایی می‌یابد. خدامحوری، آثاری چون اخلاص در عمل، دوری از گناه و قرب الهی دارد. اگر مدیران و سیاست‌گذاران جامعه براساس خداباوری حرکت کنند، خداوند محبت آن‌ها را در دل مردم جای می‌دهد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶) به‌علاوه درک این مقام، مقدمه هرگونه رفتار اخلاقی و شرافتمندانه است؛ زیرا اساساً التزام حقیقی به اخلاق، موکول به فهم مراتب اخلاص و بندگی است و بدون این التزام، امکان حکمرانی اخلاقی منتفی است. درواقع رعایت الزامات اخلاقی، مستلزم عبور از خود و تمنیات نفس است و این امکان‌پذیر نیست، مگر هنگامی که آدمی درک کند که بزرگ‌ترین شأن او در مراتب تعالی انسانی، نیل به مقام شامخ بندگی است! و نیل به این مقام، در ذات خود با هرگونه تکبر و خودبزرگ‌بینی با برتری‌جویی ناسازگار است. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۹)

مبتنی بر این دیدگاه است که حکمران، نیکی کردن به مردم را وظیفه خود می‌پندارد و درصدد منت نهادن و استکبار پیشه کردن به خاطر آن نیست. درواقع وظایف حکومت، در برابر اختیاری که خدا به او داده انجام می‌شود و حقی برای منت نهادن بر مردم وجود ندارد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۹) به‌علاوه این خدامحوری، عامل ایجاد خداترسی نیز هست که از ملزومات حکمرانی الهی است؛ چراکه خشیت الهی در حکمرانی سبب می‌شود که حکمرانان دارای صفت شجاعت در برابر غیر خدا باشند. چنانچه خداوند، نشانه کسانی که مبلغین راستین رسالت اویند را چنین معرفی می‌نماید: «همان کسانی که رسالت‌ها و پیام‌های خدا را (به مردم) می‌رسانند و از او می‌ترسند و از احدی جز او نمی‌ترسند و خدا در حسابرسی کافی است.» (سوره احزاب، آیه ۳۹)^۱ (مستقیمی، ۱۳۹۵: ۹۲-۹۳)

^۱ «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»

چشم‌انداز اتخاذ چنین دیدگاهی، ایجاد الگوی حیات طیبیه نیل به سعادت و کمال بشریت است. این مفهوم است که می‌تواند زیربنای مفهوم «صادر کردن انقلاب به سایر کشورهای جهان» باشد؛ که در بیانات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی (ره) به‌کرات به چشم می‌خورد. درواقع با اعتقاد به اینکه اسلام، راه کمال و سعادت انسانی در دنیا و آخرت است، لازم است جمهوری اسلامی ایران با ارائه الگوی حیات طیبیه - به‌عنوان راه جدید زیستن با هدف تعالی انسانی در زندگی فردی و اجتماعی- امکان تحقق آن در سطح جهان را فراهم سازد و این مفهوم را در برابر حیات مبتنی بر کسب لذت و منفعت در نظام جهانی صورت‌بندی کند و مزایای عملی شیوه‌های سبک زندگی مؤمنانه و زیست ایمانی را بیش‌ازپیش به جهان تحت حاکمیت پارادایم سرمایه‌داری نشان دهد. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۳۰-۱۳۳)

۲-۳-۲- اخلاق مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: پاسخگویی یک امر حیاتی برای حکمرانی خوب است که تحقق آن بدون وجود شفافیت و قانونمندی قابل‌اجرا نیست. این مؤلفه در کنار مؤلفه‌های دیگر حکمرانی، عنصر مهم مشروعیت‌بخش به حکومت و مشوق همکاری و مشارکت مردم و گروه‌ها با حکومت است. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۲) اصل مسئولیت‌پذیری نیز نوعی رفتار اخلاقی تعهدآور است. تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت‌پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر وظایفی است که بر عهده دارند و به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای و سازمانی باید به آن توجه جدی شود. این مفهوم به این معناست که: «شما حق دارید و من تکلیف دارم». (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶)

از منظر اسلام، پاسخ‌گویی ابتدا در برابر خداوند و دین الهی و سپس در برابر جامعه و افراد آن مطرح است. به این معنا، پاسخ‌گویی در حکمرانی از منظر اسلام، از این مفهوم در حکمرانی سکولار متمایز است؛ چراکه حکمرانی خوب با توجه به مبانی اومانیستی آن، پاسخ‌گویی را تنها در قبال جامعه و افراد آن ضروری می‌داند، حتی اگر این پاسخ‌ها با مبانی ارزشی دینی سازگاری نداشته باشند. (حسینی‌تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۲۲)

این اخلاق، به‌خودی‌خود انسان را از خودکامگی و یا علاقه به تملق و خودستایی دور می‌کند. انسانی که چاپلوسی را دوست داشته باشد، هرگز طعم عبادت خالص را نخواهد چشید و هرگز نمی‌تواند شأن عبودیت در پیشگاه پروردگار را دریابد. همچنین مدیر علاقه‌مند به مداحی، هرگز شأن خدمت صادقانه و خالصانه در اداره را در نمی‌یابد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۱) درواقع قرار گرفتن در محیط اداره و حکمرانی و تجربه کردن تفوق سلسله مراتبی، ممکن است انگاره خودبزرگ‌بینی را تقویت کند. ازاین‌رو در منطق امامیه، فردی شایسته حکمرانی بر مردم است که بتواند خشم و هوای نفس خویش را مهار عقل خود سازد؛ چراکه افراد خشمگین و هوسران، بهره‌خویش از عقل را هدر می‌دهند، امور را ضایع می‌سازند و خود را در معرض گناه و تجاوز به حقوق دیگران قرار می‌دهند، درحالی‌که مدیر مسلمان باید متواضع و فروتن باشد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۱۹) به‌بیان‌دیگر، حاکم جامعه اسلامی باید خود را در حقوق با دیگران برابر بداند و زیاده از دیگران حقی بر خود قائل نشود؛ اما از نظر تکلیف، خود را بیش از دیگران برای خدمت به جامعه و اعلاای کلمه حق و اقامه عدل مسئول و مکلف بداند. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۷) در این دیدگاه، حکمرانان باید بدانند که آن‌ها تنها نماینده و کارگزار امور مردم‌اند، نه قیم و مالک آن‌ها. در جامعه سالم، کارگزاری و صاحب‌منصبی، حرفه نیست، بلکه امانت است. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۳۰) در چنین جامعه‌ای، پاسخ‌گویی فقط به‌عنوان شرح عملکرد و وظیفه‌های حکمران به‌صورت یک‌طرفه نیست، بلکه پاسخ‌گویی به معنای برخوردی قاطع و جدی با حکمران و پرسش از چگونگی عملکرد وی است که اگر حکمران نتواند پاسخ قانع‌کننده‌ای دهد، مردم حق عزل حکمران و انتخاب حکمران جدید را دارند. (یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴: ۵۱) البته باید توجه داشت که مسئولیت‌پذیری کارگزاران در ارتباط متقابل، نظام‌مند و منسجم با مسئولیت‌پذیری مردم به‌عنوان امت اسلامی است که عبارت است از: وفاداری، خیرخواهی و اطاعت از دستور و فرمان حاکم. به‌عبارت‌دیگر، اساسی‌ترین نتیجه مسئولیت‌پذیری زمامداران، پاسخگویی در مقابل مردم و اعتمادآفرینی است که می‌تواند زمینه‌ساز وظایف مردم در برابر حکومت باشد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶)

اما مسئولیت و پاسخگویی، جز از طریق نظارت‌پذیری حکومت ممکن نیست. کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه از دیرباز یکی از اصول مدیریتی به شمار می‌رود که نبود یا کم‌رنگ‌بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می‌کند. امام علی(ع) هم خود شخصاً بر امور جاری کشور پهناور اسلامی نظارت داشتند و به کارگزاران و مدیران توصیه می‌کردند که بر کارها نظارت

مستقیم کنند. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷) بین نظارت‌پذیری و اصلاح، پویایی و کارآمدی هر سیستم، ارتباط و پیوند مستقیمی وجود دارد. از این رو ایجاد، نهادینه‌سازی و استمرار سیستم توازن و کنترل، از شاخص‌های مهم حکمرانی خوب است. هرچه نظارت‌پذیری بیشتر باشد، اصلاحات و رفع خطاها بیشتر می‌شود و سیستم می‌تواند مقتدرانه و با کارآمدی و پاسخگویی بیشتر به پیش رود. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۴)

از مؤلفه‌های مؤثر بر نظارت‌پذیری که در سیره ائمه اطهار و همچنین در روش حکمرانی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اندیشه‌های امام خمینی(ره) یافت می‌شود، وجود قوای مستقل از یکدیگر است که از یک‌طرف موضوع نظارت بر روند ساماندهی اداره کشور را امکان‌پذیر می‌نمایند و از طرف دیگر، امکان توزیع قدرت و پاسخگویی نسبت به عملکرد یکدیگر را فراهم می‌نمایند. اصل تفکیک و تعامل قوا به عنوان یک اصل سازمانی است که با توزیع و سرشکن نمودن اقتدار سیاسی، نظام پاسخگویی و نظارت متقابل را ایجاد می‌کند که حاصل آن حکومت پاسخگو، شفاف و قانونمند است. امام خمینی(ره) در مقام یک رهبر و ناظر بر عملکرد قوا، همواره به این امر مهم یعنی تفکیک و استقلال قوا توجه زیادی داشتند و در مناسبت‌های گوناگون و یا با دیدن برخی از مسائل در ارتباط با سه قوه این امر را تذکر می‌دادند؛ چراکه ایشان دخالت‌های قوا در کار یکدیگر موجب هرج و مرج (که زمینه بی‌عدالتی و فساد در آن وجود دارد) می‌دانستند. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۷) به این ترتیب، تمامی نهادهای حاکمیتی و تمامی نهادها و قوا و سطوح حکمرانی، طبق مفاد و اصول قانونی اساسی در برابر یکدیگر و مردم و خداوند پاسخگو هستند. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۴) امام(ره) همواره از مردم می‌خواستند حاکمان و مدیران سیاسی جامعه را استیضاح کنند و از ایشان در مورد کارهایشان توضیح بخواهند. همچنین امام در ارتباط بر اهمیت حضور مردم و مشارکت آن‌ها و لزوم ارائه گزارش عملکرد دولت به مردم تأکید می‌ورزیدند. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۵) امیرالمؤمنین(ع) نیز آگاهی از امور کشور را حق مردم دانسته‌اند و تنویر افکار عمومی و پاسخ به پرسش‌ها و شبهات مردم را وظیفه حاکم می‌شمارند. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۳) به علاوه در قرآن کریم بر مسئولیت پاسخگویی در برابر مردم تأکید شده و خود قرآن هم درصدد پاسخگویی به انواع پرسش‌ها و شبهات مردم بر آمده است. (آقای جنت‌مکان و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱۸)

۳-۲- عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در چارچوب قانون: عدالت از جمله موضوعاتی است که از دیرباز دغدغه بشر، اندیشمندان و ادیان الهی بوده است. پس از حاکمیت قانون، عدالت واژه یا مفهوم بسیار مهم و درواقع، جوهره دیگر حکمرانی خوب محسوب می‌شود. عدالت عامل قوام‌بخش و مشروعیت‌بخش به حکمرانی و حکومت، عامل مهم در استمرار همبستگی بین جامعه و حکومت و استحکام‌بخش جامعه است. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۱) لذا برقراری عدالت اجتماعی و برپایی قسط که به عنوان والاترین و ارجمندترین هدف رسالت انبیاء الهی نیز مطرح شده است، از مهم‌ترین وظایف نظام حکومتی در اسلام است و در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید به آن توجه داشت. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۶) از منظر حکمرانی اسلامی ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق هم و رفتار عادلانه موظف‌اند؛ چنانکه حضرت علی(ع) در دستورالعمل‌های سیاسی خود به فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت بین مردم تأکید می‌کردند. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۶) از دید ایشان، عدالت الفبای اصلاح جامعه است؛ زیرا ضعف‌ها، بی‌نظمی‌ها و ناکارآمدی‌ها همگی ناشی از خروج امور از حد و اندازه طبیعی خود هستند. عدالت باعث تعادل در جامعه بین اقشار گوناگون می‌شود و همچنین معیاری برای تدبیر عمومی مردم است. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۲)

وجود قوانین روشن و عادلانه، از مقدمات برقراری عدالت است. به بیان دیگر، برقراری سیستم حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی عادلانه، منصفانه و بی‌طرفانه است. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد خصوصاً حقوق محرومان محافظت به عمل آید. درمجموع عادلانه بودن و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم‌کنندگی می‌باشد که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۹) تفاوت اساسی حکمرانی از منظر اسلام با حکمرانی سکولار در مبانی قانون‌گذاری است که امام علی(ع) قانون و قانون‌گذاری را منحصر به خداوند یا کسانی می‌داند که از طرف خداوند باشند (پیامبران و امامان(ع) و ولی فقیه) و حکمرانان را تنها مجری آن‌ها می‌شمارند. اما حکمرانی سکولار قانون و قانون‌گذاری را منحصر به مردم یا نمایندگان آن‌ها، بدون توجه به خدا و اولیای خدا می‌داند که این نوع قانون‌گذاری در حکمرانی اسلامی مشروع نیست. (حسینی‌تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۲۳)

در نگرش امیرالمؤمنین، یکی از جنبه‌های مهم عدالت و تقید به ضوابط به جای روابط، شایسته‌سالاری، به معنای جبران ظلم و بی‌عدالتی اعمال شده بر افراد و تعیین موقعیت اشخاص براساس تلاش و کوشش آن‌ها است. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۲) شایسته‌سالاری، بهره‌گیری از انرژی خلاق افراد برگزیده است به‌طوری‌که در تمام اجزای آن، مناسب‌ترین افراد هرکدام در جای واقعی خود قرار گیرند. ایشان معتقد بودند هر پستی به توان، خلاقیت، شایستگی و تخصص خاصی نیاز دارد و اگر رعایت نشود، جامعه مسیر رشد و کمال را نخواهد پیمود. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰) درواقع ایشان ضمن تأکید بر پوشش همگانی منش عدالت‌گستری مدیر، تأکید می‌کنند که مدیر باید از تکیه بر نزدیکان بپرهیزد و عامه مردم را هدف خطمشی‌های عدالت‌گستر خود قرار دهد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۰) به‌طوری‌که امام علی (ع) ملاک و مبنای اصلی انتخاب وزیران و مشاوران و کارگزارانشان را شایسته‌سالاری قرار داده بودند؛ چون عدالتی پایدار و ارزشمند است که مجریان آن خود از شایستگان و نیکان باشند. به‌علاوه، آن حضرت یکی از برنامه‌های اصلاحی خود را برکناری والیان فاسد و گماشتن نیروهای شایسته، مطمئن و باتقوا به جای آن‌ها قرار دادند. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۴) قرآن نیز گزارش می‌دهد که یکی از ویژگی‌های مشترک انبیا، برگزیدگی آن‌ها در بین مردم، به سبب فضائل علمی و عملی در ایشان است. لذا در حکمرانی خوب از منظر اسلام، حکمران باید از نظر علم و تقوا نسبت به مردم برتری و برجستگی داشته باشد. (مستقیم، ۱۳۹۵: ۹۱)

نمود این شایسته‌سالاری، در بهره‌گیری از آراء و نظرات گذشتگان صالح و مشورت با افراد صاحب‌رأی نیز مشخص می‌شود. حکومت خردمند حکومتی است که سنت‌های شایسته را از هرکه به یادگار مانده باشد، شناسایی و حفظ کند و بدعت‌های ناپسند خود و حامیان خود را ترک می‌گوید. استمرار این ترک بدعت و حفظ سنت، به‌مرور زمان حکومتی یادگیرنده را پدیدار می‌سازد؛ حکومتی که به‌طور مستمر خود را اصلاح می‌کند. در این میان، یکی از مهم‌ترین سنت‌های حکمرانان خردمند، رایزنی و مشاوره با دانشمندان و استوار ساختن امور کشوری و لشکری در پرتو اخذ مستمر تدابیر آنان است. در همین امتداد می‌توان به اهمیت هم‌نشینی و مصاحبت با افراد نیک‌سرشت و خاندان‌های شایسته نیک پیشینه، دلیر و جوانمرد اشاره کرد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۲) به همین دلیل، امام علی (ع) در اکثر نامه‌ها به کارگزاران خود بر نفی نگرش مستبدانه و تأکید بر بهره‌مندی از افکار و پیشنهادها و مشاوره‌های دیگران تأکید می‌کردند. تا حدی که ایشان متذکر شدند در غیر از مواردی که حکم روشن الهی وجود دارد، باید با مشورت از پیشنهادها و انتقادات مردم استفاده کرد. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۴)

نهایتاً برای برقراری عدالت، لازم است قوه قضاییه دارای صلاحیت و استقلال باشد. حیات و قوام هر جامعه درگرو برخورداری از سیستم قضایی و داوری مستقل، مقتدر و بصیر است. سیستم قضایی هر جامعه باید عالم، قاطع و عادل باشد تا جامعه سالم بماند. بنابراین حکمران باید به امور قضایی به‌گونه‌ای رسیدگی کند که هرگونه احتمال فساد آن منتفی گردد. زیرا فساد دستگاه قضایی، فساد کل جامعه را به دنبال دارد. به‌این‌ترتیب، قاضی باید از شایستگی کافی برخوردار باشد و از امنیت کامل بهره‌مند گردد تا بتواند بدون نگرانی از فتنه گروه‌های قدرتمند جامعه، قاطعانه به وظایف خود بپردازد و شرایطی را ایجاد کند که ضعیف‌ترین افراد جامعه بتوانند در برابر قوی‌ترین عناصر اجتماعی اعاده حق کنند. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۴-۱۲۵)

۴-۳-۲- اثربخشی و کارایی حکومت: حکمرانی خوب، منوط به داشتن خروجی خوب و مستمر برای مردم یا همان کارآمدی است. در حکمرانی خوب، هدف حکومت به حداکثر رساندن رفاه عمومی، جلب رضایت مادی و معنوی شهروندان و حمایت از حقوق بنیادین آن‌هاست. هر حکومتی که موفق به تحقق این اهداف شود، کارآ و اثربخش تلقی خواهد شد.

کارایی و اثربخشی به توانایی حکومت در قانون‌گذاری، قضاوت و تصمیمات مدیریتی در باب عدالت و قانونمندی متکی است. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۷) در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خطمشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در قانون ارزیابی قرار می‌گیرد. درنتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خطمشی‌های عمومی به‌دوراز جنجال‌ها و خطوط‌ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در برابر آن‌ها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸)

در حکمرانی اسلامی، تأکید فراوانی بر این مؤلفه صورت گرفته است. امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای کارآمدی نظام سیاسی را درگرو چهار عامل می‌داند: ۱- اتحاد و وحدت کلمه ۲- اطاعت از رهبری جامعه ۳- تلاش حکومت در عمران و آبادی کشور ۴- تعهد نسبت به ادای امانت‌ها و انجام مسئولیت‌های اجتماعی. همچنین ایشان در نامه‌ای به مالک، چهار مورد مهم برای

کارآمدی و اثربخشی حکومت بیان می‌کنند: الف) جمع‌آوری مالیات آن دیار ب) مبارزه با دشمنان اعم از داخلی و خارجی ج) کوشش مستمر در اصلاح امور شهروندان د) آباد کردن شهر. ازجمله مؤلفه‌های ضروری دیگر برای اثربخشی و کارایی حکومت در نهج‌البلاغه عبارت‌اند از: تأمین امنیت فراگیر، نگرش ویژه به رشد و بالندگی شهروندان به لحاظ مادی و معنوی و همچنین تأمین رفاه عمومی. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۸) امام خمینی (ره) نیز همواره در طول دوران حکومت به این امر توصیه می‌کردند و یادآور می‌شدند: «آنچه اساس ضعف دولت و جدایی مردم از دولت است عبارت از: کیفیت عمل دستگاه‌هاست.» (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۷-۱۲۸)

در راستای تحقق کارایی و اثربخشی دولت از منظر اسلام، لازم است دولت از بصیرت و دقت نظر ویژه‌ای برخوردار باشد. به‌طوری‌که انجام هیچ امر جزئی را به خاطر پرداختن به امور مهم‌تر فراموش نکند. چنین حکمرانی هنگامی از عهده کارها برمی‌آید که آن‌ها را هم‌زمان با دو چشم‌انداز دور و نزدیک در نظر آورد و هر کار را بانظم و دقت، در جایگاه و زمان خود انجام دهد و هیچ کاری را فدای کار دیگر نکند. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۳) به‌علاوه، حکمران برای کارآمدی دولت باید در انتخاب کارگزاران خود نهایت دقت را کند تا افراد شایسته انتخاب شوند. برای این منظور از نظام‌های استخدامی استفاده می‌کند تا توانایی‌های افراد مورد آزمون قرار گرفته شود و بهترین‌ها از نظر قدرت و استعداد اجرایی انتخاب شوند. همچنین دولت باید نقشش را با توانمندی‌هایش هماهنگ و متناسب سازد. (یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴: ۵۲)

اثربخشی و کارایی هر چه بیشتر دولت‌ها، با ایجاد مقبولیت در میان مردم، ثبات سیاسی را در پی خواهد داشت. این مفهوم به این معناست که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۷) در تعریفی دیگر، این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات مؤثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگومیر یا تغییر رهبران و دولتمردان کنونی می‌پردازد. (یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴: ۵۵) چنین جامعه‌ای در پی بقا و بهبود ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خود است تا اعضای آن بتوانند سالم، بهره‌ور و با لذت زندگی کنند. دوام و پایداری جامعه، موجب سازگاری بین دولت و ملت می‌شود و با توازن‌بخشی به قدرت دولت، موجب امنیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش تنش در جامعه می‌گردد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۰)

بر این اساس، هر چه احتمال عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند. البته در حکمرانی اسلامی، چنانکه در سیره حضرت علی (ع) مشاهده می‌شود، برخلاف حکومت‌های مادی و دنیامدارانه که سعی می‌کنند از هر ابزاری برای جلب‌توجه مردم بهره‌برند، مهربانی و مهرورزی عاطفی و معنوی با مردم، توجه به نیازها و مشکلات آنان و تلاش برای خدمت به خلق خدا مدنظر قرار می‌گیرد. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۷)

۵-۳-۲- حمایت از محرومان و مستضعفان: در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، تأمین نیازهای اساسی هر فرد از جامعه برای تشکیل خانواده مانند مسکن، معیشت، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش بر حکومت فرض است. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۳) چنانکه امام علی (ع) هم خود یار و مددکار نیازمندان و محرومان بودند و هم افرادی را با این ویژگی پرورش دادند. حمایت از مستمندان و نیازمندان به‌عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است که برای تحقق آن باید تلاش کرد، زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات ازجمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷) ازاین‌رو از منظر اسلام، حکمرانان موظف‌اند افراد مسئولیت‌پذیر و کاردانی را برای رسیدگی به امور فقرا، بی‌سرپرستان، بدسرپرستان، یتیمان و افراد سالخورده مأمور سازند. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۷) به‌این‌ترتیب، دولت اسلامی موظف است سیاست‌های خود را به شکلی تنظیم کند که حاجات اولیه و ضروری همه مردم برآورده شود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۳)

از دیگر مؤلفه‌های مرتبط با حمایت از مستضعفان در ادبیات حکمرانی اسلامی، حمایت از مستضعفان در سطح جهانی و مقابله و عدم هم‌پیمان شدن با کشورهای سلطه‌جو و استعمارگر است؛ که در بیانات و سیره عملی امام خمینی (ره) نمونه‌های متعددی از آن یافت می‌شود. (کشاورز شکری و شجاعی، ۱۳۹۵: ۳۹)

۶-۳-۲- تأمین منافع ملی: انقلاب اسلامی پس از پیروزی و تشکیل دولت جمهوری اسلامی، دارای دو کارویژه اساسی شد.

جمهوری اسلامی از سویی در قبال شهروندان خود مسئول بوده و باید بتواند کشور را پیشرفته و آباد سازد، از امنیت آن دفاع کند و مردم را به سعادت دنیوی و اخروی سوق دهد که این امر خطیر جز از طریق توسعه اقتصادی و دینی قابلیت اجرا ندارد. از سوی دیگر نیز جمهوری اسلامی به موجب رسالت اسلامی، وظیفه‌ای جهانی دارد. باید توجه داشت که این وظیفه و کارکرد دوم نیز منوط به این است که جمهوری اسلامی به تأمین بقای خویش، کسب قدرت و ارائه الگویی دنیوی و طیبه بپردازد. به علاوه، این مسئله که نظام جمهوری اسلامی ایران، ترکیبی از دو خصیصه اسلامی و ملی است، شاید در وهله اول تعریفی ساده به نظر برسد و موجب عبوری سهل‌انگارانه گردد. اما درواقع، جمهوری اسلامی در طرح‌ریزی منافع ملی و حفظ مصالح اسلامی، باید نسبت به دیگر کشورها بسیار دقیق‌تر عمل نماید. به این ترتیب لازم است ملزومات نیل به «منافع ملی» و «مصلح دینی» را به صورت هم‌زمان در نظر گرفته و هر دو را باهم پیش ببرد. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۸-۱۳۰)

از جمله ابزارهای مؤثر جهت تأمین منافع ملی، بهره‌گیری از امکانات ثروت هنگفتی است که از طریق آن می‌تواند در مسیر ساخت حیات طیبه، نفی سبیل، تألیف قلوب، کمک به جنبش‌های اسلامی و رهایی‌بخش و مبارزه علیه استکبار جهانی، با چالش کمتر و همچنین استقبال بیشتری مواجه شود. تردیدی نیست که برای صدور ارزش‌های گفتمانی، ساخت حیات طیبه و به بیانی دیگر ایجاد ایرانی توسعه‌یافته ضروری است؛ که این امر بدون داشتن منابع انسانی متخصص و کارآمد حاصل نخواهد شد و در این راستا، جمهوری اسلامی ناگزیر از تولید ثروت برای تحقق اهداف موردنظر است. باید توجه داشت که مبنای ثروت‌آفرینی و اقتصاد امروز، دانش و تخصص است و بر این مبنای تولید دانش و فناوری روزآمد و نوین و صدور آن به کشورهای دیگر و همچنین تغییر شیوه مدیریت، افزایش ابداعات، اختراعات، افزایش کیفیت و سطح بهره‌وری در صنایع جدید و نظایر آن می‌تواند به صورت طبیعی در تولید ثروت ملی نقش بزرگ و اساسی ایفا کند. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۳۴)

از راه‌های دیگر کسب ثروت برای حکومت‌ها، دریافت مالیات از شهروندان است. البته حکومت باید سیر افزایش درآمد حاصل از مالیات را متناسب با مخارج لازم و ضروری برای پیشرفت جامعه هدایت نماید؛ چراکه در غیر این صورت، اخذ مالیات تنها منجر به تنگدستی و فقر افراد جامعه شده و امری ظالمانه خواهد بود. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۶) به علاوه اخذ مالیات باید با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی مردم باشد و زمینه تجارت آزاد در میان مردم را از بین نبرد. دولت همچنین باید با تعدیل قدرت و فعالیت انحصارگران و دخالت تنظیم‌گرانه در امور اقتصادی، تجارت آزاد اعضای جامعه را تقویت کرده و ثبات بخشد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۷)

۷-۳-۲- اهتمام به جلب مشارکت مردم: میزان مشارکت مردم در کارهای جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مشارکت سیاسی-اجتماعی (آزادی بیان و دیدگاه‌ها و تدوین سیاست‌های عدم تمرکز) و مشارکت اقتصادی (وجود فضای امن رقابتی و ارائه تسهیلات مناسب برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی) باشد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹) در حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، تأکید اساسی مبنی بر حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و دفاعی وجود دارد و اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی مردم انجام می‌شود. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۱)

مشارکت مردم در حکومت، نیازمند پذیرش تنوع و تفاوت مردم و درک نیاز هر یک از اقشار است. به طور طبیعی، مردم در گروه‌ها و دسته‌های متفاوت اجتماعی قرار می‌گیرند. حکومت نماینده همه مردم است و یکی از اصول اخلاقی حکمرانی اسلامی آن است که با همه آن‌ها ارتباط داشته، صدای همه آن‌ها را بشنود و نیازهای آنان را دریابد و با در نظر گرفتن درجات متفاوت اضطرار، به امور آنان رسیدگی کند. در عهدنامه امیر(ع)، متناسب با جامعه ساده آن دوران، گروه‌های محدودی نام برده شده‌اند؛ گروه‌هایی نظیر سپاهیان، کارگزاران، دبیران، قاضیان، بازرگانان، صنعتگران، مستمندان و فرماندهان سپاه. بدیهی است که با افزایش سطح پیچیدگی جوامع، گروه‌های جدیدی شکل می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را به این فهرست اضافه کرد. بنابراین، هرچند که در عهدنامه به طور منطقی فقط حرفه‌های شناخته‌شده در آن دوران نام برده شده‌اند، ولی حکم کلی امام دال بر آن است که حکمران باید اصناف گوناگون مردم را دریابد؛ به ویژه در عهدنامه بر ضرورت رسیدگی به امور و نیازهای حافظان امنیت و نظم، یعنی سپاهیان و خانواده‌های آنان تأکید شده است. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۳) امام خمینی(ره) نیز به عنوان سیاستمداری که سیاست و نظام تفکرش براساس جهان‌بینی توحیدی و الهی است، به دنبال برقراری جامعه‌ای است که بر محور عدل و قسط اداره و تدبیر شود و این عدل و قسط مگر با شرکت آحاد جامعه اسلامی در تصمیم‌گیری‌ها محقق

نمی‌شود. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۶)

در این راستا حفظ ارتباط با عامه مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حکمرانان باید مدام و بدون تشریفات اداری با عامه مردم ارتباط داشته باشند. همه مردم برابرند و از حقوق یکسان برخوردارند؛ پس حکومت باید در برابر همه آن‌ها پاسخگو باشد و با آن‌ها به‌طور یکسان رفتار کند و هیچ‌گاه نباید از مردم روی نهان نماید و حق ندارد ارتباط خود را با آنان قطع کند. این برابری در حقوق به‌گونه‌ای است که به روایت تاریخ، حتی معصوم خود را از قصاص مستثنی نمی‌داند و در برابر خسارت‌های سهوی خود به مردم از آنان حلالیت می‌خواهد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۸)

اما مشارکت در معنای واقعی کلمه، مستلزم شفافیت است. در واقع یکی از دلایل بروز مشکلات سیاسی و نابسامانی‌های اجتماعی عدم شفافیت اطلاعاتی و نبود اطلاعات صحیح است. در جامعه‌ای که اطلاعات درست و شفاف جریان داشته باشد، سطح اعتماد افزایش می‌یابد و روابط اجتماعی سالم برقرار می‌گردد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹) منظور از شفافیت این است که اطلاعات لازم به آگاهی مردم رسانده شود و آنان در جریان انجام کارها قرار بگیرند. تجلی این موضوع در حکومت علوی به وضوح یافت می‌شود؛ به‌طوری‌که هر تصمیمی که گرفته می‌شد به اطلاع مردم می‌رسید و اگر شخصی وارد جامعه اسلامی می‌شد، می‌توانست در اندک مدتی شیوه حکومتی امام را درک کند و به تطبیق میان واقعیت‌ها و آنچه به صورت تئوری و نظریه در مورد حکومت از سوی منابع دینی ارائه شده است، بپردازد. (حسینی‌تاش و واثق، ۱۳۹۳: ۲۴) در واقع حکمرانی خوب از منظر اسلام در صورتی تحقق می‌یابد که کلیه تصمیمات و اقدامات مدیران رده بالا و رده میانی و پایین از شفافیت بالایی برخوردار باشد و از هرگونه ابهام و پنهان‌کاری به دور باشد. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۸)

طبیعتاً مقدمه اهتمام حکمرانان به شفافیت، حسن ظن ایشان نسبت به مردم است. ذهن بدگمان نمی‌تواند رابطه اخلاقی مناسبی را میان خود و دیگران ایجاد کند و در واقع خوش‌گمانی شرط توسعه ارتباطات صحیح است. البته کارگزاران فقط زمانی می‌توانند نسبت به مردم خوش‌گمان باشند که صادقانه به آن‌ها خدمت کرده باشند. زیرا مردم عمدتاً نسبت به خدمتگزاران صادق خود وفادار خواهند بود و از آن‌ها حمایت می‌کنند. در واقع در این منطق، وفاداری و حمایت مردم بازتاب نیک‌رفتاری مدیران تلقی می‌شود؛ یعنی فقط مدیری که به مردم صادقانه خدمت می‌کند، می‌تواند به بازتاب این صداقت در رفتار مردم با خود امید ببندد. (پورعزت، ۱۳۸۹: ۱۲۱)

۸-۳-۲- **اهتمام به پیشرفت علمی و فرهنگی مردم:** دانش و لوازمش، لازمه تحقق هدف غایی آفرینش انسان است. از منظر اسلام دانش ارزشمند است و قلم و نوشتن، بهترین ابزار ثبت و ضبط آن است؛ چراکه دانش در کنار ایمان عامل پیشرفت تدریجی جامعه است. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹) ائمه اطهار همواره بر مذمومیت بی‌سوادی و جهل و اهمیت کسب سواد و دانایی تاکید کرده‌اند. امام علی (ع) عقل را بالاترین غنا و بی‌نیازی معرفی می‌کنند و حماقت و نداشتن عقل و تدبیر را بالاترین و شدیدترین درجه فقر می‌دانند. در دیدگاه امام علی (ع)، تعلیم، زمینه‌ساز رشد ایمان در جامعه اسلامی بوده و لذا یکی از وظایف حکومت اسلامی به شمار می‌رود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۳) از نظر قرآن نیز اصلی‌ترین هدف حکمرانی، تعلیم و تزکیه نفوس مردم است؛ چنانکه می‌فرماید: «به یقین خداوند بر مؤمنان ممت نهاد آنگاه که در میان آنها فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها می‌خواند و پاکشان می‌گرداند و کتاب و احکام شریعت و معارف عقلی به آن‌ها می‌آموزد...»^۱. البته بین اقسام تعلیم و تربیت، آنچه اصالت دارد، همان تربیت و تهذیب نفوس است؛ چنانکه در احادیث تعلیم، به عنوان بهترین کمک برای پاک‌سازی عقل معرفی شده است. (مستقیمی، ۱۳۹۵: ۹۱) در مجموع می‌توان گفت که یکی از شاخصه‌های حکمرانی اسلامی، احیاء روحیه تحقیق و علم‌گرایی و ستیز با جهل، خرافه، بدعت‌ها و سنت‌های جاهلانه است (مستقیمی، ۱۳۹۵: ۹۴) و می‌تواند شامل همه انواع تعلیم و تربیت، نظیر تعلیم و تربیت عقلانی، اخلاقی، عاطفی، سیاسی و... باشد. (مستقیمی، ۱۳۹۵: ۹۱)

به این ترتیب در ادامه مفهوم علم‌آموزی و تعلیم و تربیت، بحث ارتقاء و اصلاح فرهنگی جامعه نیز می‌تواند به عنوان یک ابزار مکمل جهت تحقق اهداف حکمرانی اسلامی مطرح شود. در این تعبیر، فرهنگ، زیربنای مسائل اقتصادی و سیاسی است که تا تغییر نکند، تحول در حوزه‌های دیگر ممتنع می‌نماید. اصلاحات فرهنگی چیزی جز حاکمیت حقیقی دین (اسلام

^۱ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...» (آل عمران/ ۱۶۴)

حقیقی) بر زندگی فرد و اجتماع نیست و در حقیقت هدف از اصلاحات فرهنگی، حاکم کردن «خدامحوری» به جای «هوا محوری» است. مبارزه با انحرافات دینی، تبحرگرایی، کج فهمی از دین و تعصبات و سنت‌های غلط از جمله نمونه‌های اصلاح فرهنگی از طریق حکمرانی اسلامی است که در سیره ائمه اطهار یافت می‌شود. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۳)

از مؤلفه‌های مؤثر بر کارایی و اثربخشی در این حوزه، می‌توان به همسانی حکمران در ملیت، آیین و اعتقادات، زبان و خاستگاه فرهنگی با مردم اشاره کرد؛ چنانکه خداوند در قرآن تاکید می‌نماید که برای تأثیر بیشتر بر مردم، رسولانی را فرستاد تا «به لسان قوم» خود به هدایت جامعه بپردازند. (مستقیم، ۱۳۹۵: ۹۲) همچنین استفاده از ابزار امر به معروف و نهی از منکر، علاوه بر افزایش مشارکت مردم در عرصه حکمرانی، از موثرترین راهکارهای اصلاح فرهنگی است که در حکمرانی اسلامی نقش پررنگی دارد. (کشاورز شکری و شجاعی، ۱۳۹۵: ۴۰)

۹-۳-۲- تأمین کرامت انسان‌ها و حق آزادی: در حکمرانی با رویکرد اسلامی، همه افراد جامعه صرف‌نظر از نژاد، زبان، جنسیت و قومیت در تمامی عرصه‌های اجتماعی از حقوق مساوی برخوردار هستند. از سوی دیگر، تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن، فعل، عقیده، فکر و فعالیت جمعی در قالب حزب، انجمن و تشکل ممنوع است و قانون از آن حراست می‌کند. این موارد و چارچوب رسیدگی به شکایات در آن‌ها، در قانون اساسی کشور ما نیز تصریح شده‌اند. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

در واقع برخورداری انسان‌ها از آزادی در حوزه سیاست و اجتماع از مهم‌ترین ویژگی‌های حکمرانی اسلامی است. در دین اسلام، آزادی و آزادگی از حقوق ذاتی انسان تلقی می‌شوند و از این‌رو در حکمرانی اسلامی، نمی‌توان با وجود همه بحران‌ها، مردم را به کاری مجبور کرد که به آن رغبتی ندارند و این اجبار می‌تواند با هدف اسلام که هدایت، سعادت، تکامل و تعالی افراد بر اساس تمایل و اختیار آنان است، ناسازگار باشد. (بردبار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۸) آزادی یکی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی نیز هست که حضرت امام (ره) در بیانات مختلف از آن دفاع نموده‌اند. (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۲۴)

۱۰-۳-۲- مبارزه با فساد و جرم و تأمین امنیت مردم: فساد عبارت است از: «استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی». آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوء استفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. حکمرانی خوب می‌تواند از یک‌طرف فساد را از طریق افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضدفساد کاهش دهد و از طرف دیگر، فساد، توانایی حکمرانی خوب را تحلیل برده و زمینه انحراف تصمیم‌ها و سیاست‌ها را فراهم می‌کند. علاوه بر این، فساد به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان فقیر و غنی را افزایش می‌دهد، بلکه برای اغنیا ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می‌کند. این امر به ایجاد شرایط اجتماعی‌ای که دیگر انواع جرائم را تسهیل می‌کند نیز کمک می‌کند. (شاه‌آبادی و جامه‌بزرگی، ۱۳۹۲: ۱۱)

نتیجه مبارزه با فساد و جرم، تأمین سلامت و امنیت جامعه است. امنیت یکی از مهم‌ترین نیازها و ضرورت‌ها برای جامعه بشری است. به بیان دیگر، مهم‌ترین وظیفه هر حکومت و مهم‌ترین انتظار مردم و جامعه از حکومت، برقراری امنیت به صورت فراگیر، مستمر و بدون تبعیض است. ابعاد امنیت در دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) عبارتند از: امنیت قضایی به عنوان محافظی برای دیگر ابعاد امنیت، اهتمام به امور ارتش و سپاهیان به عنوان حافظان امنیت جامعه، امنیت اقتصادی صاحبان صنایع و تجار و نفی روحیه خودکامگی و استبداد که مانع ثبات و امنیت می‌شود. (شاکری و سردارنیا، ۱۳۹۳: ۴۸-۴۹)

در همین راستا، حضرت علی (ع) راهکارهایی برای مبارزه با فساد ارائه می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به خداترس بودن حکمران، دور نمودن نزدیکان اهل سوء استفاده از حکومت، بی‌نیاز نمودن افراد صاحب منصب از مردم، انتخاب افراد خوش سابقه و اصیل و نظارت جامع و مستمر اشاره کرد. (یوسفی شیخ رباط و بابایی، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۷) برقراری امنیت با مشارکت نیروهای مردمی در قالب‌های گوناگون نظیر ایجاد بسیج مستضعفین، از دیگر راهکارهایی است که در حکمرانی اسلامی برای تحقق امنیت مورد استفاده قرار گرفته است. (کشاورز شکری و شجاعی، ۱۳۹۵: ۴۱)

۳- مقایسه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار

پیش از مقایسه تطبیقی این دو سند، باید توجه داشت که اساساً پیوستن به سند ۲۰۳۰، با وجود حق تحفظ و یا بدون آن، به معنای اجرای بند پنجم سند و اهداف آن به صورت بی قید و شرط است. در این رابطه می‌توان به بند ۲۰ در بخش «دستور کار جدید» سند ۲۰۳۰ مراجعه کرد: «به رسمیت شناختن تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران، در تحقق همه اهداف اصلی و فرعی این دستورکار نقش مؤثری دارد. بهره‌وری بهینه از توانمندی‌های انسانی و تحقق توسعه پایدار، در

شرایطی که نیمی از جامعه بشری از فرصت‌ها و حقوقی که در چارچوب حقوق بشر به آنان تعلق می‌گیرد، محروم باشند، ممکن نخواهد بود. دسترسی زنان و دختران به آموزش کیفی، منابع اقتصادی و مشارکت اجتماعی و فرصت‌ها باید با مردان و پسران برابر باشد؛ ضمن اینکه برای اشتغال، رهبری و تصمیم‌گیری در همه سطوح نیز با مردان و پسران از فرصت‌های یکسانی بهره‌مند شوند... در اجرای دستور کار حاضر، یکپارچه‌سازی نظام‌مند یک دیدگاه مبتنی بر تساوی جنسیتی اهمیت به‌سزایی دارد. در بند ۳۵ بخش «دستور کار جدید» نیز بر نقش مؤثر تضمین حضور زنان در جامعه در «تحقق اهداف توسعه پایدار» اشاره شده است. همچنین، در بندهای ذیل هر یک از ۱۷ هدف توسعه پایدار نیز در موارد متعدد، لزوم اجرای سند با توجه ویژه به وضعیت «زنان و دختران» تصریح شده است. از این رو باید توجه داشت که روح حاکم بر تمامی بندهای این سند، درآمیخته با رویکرد این سند نسبت به حوزه زنان یا همان فمینیسم است.

در ادامه ذیل هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام، به مقایسه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ می‌پردازیم.

۱-۳- **خدامحوری:** با بررسی دستور کار سند ۲۰۳۰، مشاهده می‌شود که در این سند، هیچ گونه اشاره‌ای به خداوند به عنوان خالق انسان‌ها و موجودات کره زمین نشده است. رد پای توجه به خدا، دین و عبودیت و بندگی انسان‌ها به عنوان محور اصلی زندگی و اهداف زندگی، در هیچ قسمت از این سند مورد توجه قرار نگرفته و در تعاریف، اهداف و راهبردها حتی به صورت ضمنی و حاشیه‌ای طرح نشده است؛ در واقع می‌توان گفت که مهم‌ترین هدف سند ۲۰۳۰ دگرگون ساختن جهان و حرکت دادن آن به سوی تعریف به خصوصی از توسعه است.

بالعکس در ابتدای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، مبانی خداشناختی سند به این ترتیب تعریف شده است: «خدا محوری و توحید، اساس و محور بنیادین حیات فردی و اجتماعی مؤمنان است. الله معبود یکتا، علیم، حکیم، غنی، رب العالمین، رحمن، رحیم، هادی، شارع، تنها مالک و حاکم مطلق هستی است که: عادل در تکوین، تشریع و سزادهی است؛ واسع، جبران‌کننده، روزی‌دهنده مخلوقات، اجابت‌کننده دعاها و حاجت‌هاست؛ ولی مؤمنان، یاور مجاهدان راه خدا، حامی مظلومان، انتقام‌گیرنده از ظالمان و وفاکننده به وعده خویش است.» در ادامه، مبانی جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی سند نیز مبتنی بر خدامحوری بیان شده‌اند. به علاوه «بیل به خلافت الهی و حیات طیبه» به عنوان مبنایی‌ترین ارزش‌های عنوان شده در بخش «آرمان‌ها» ی سند است.

بالطبع با توجه به تاثیرگذاری مبانی بر جهت‌گیری راهبردها و سپس نحوه اجرای سند، فقدان بعد خدامحوری در سند ۲۰۳۰ می‌تواند مهم‌ترین نقطه ضعف این سند به عنوان یکی از اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران باشد. در واقع با توجه به اینکه این سند با هدف رساندن جامعه اسلامی به حیات طیبه نگاشته نشده، نمی‌توان توقع داشت که در درازمدت چنین پیامدی را داشته باشد. به بیان دیگر، وجود مؤلفه خدامحوری در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت سبب شده که مبانی و اصول مورد استفاده در این دو سند در تعریف زنان و نقش ایشان در جامعه، به غایت متفاوت از یکدیگر باشد. عبارات «تساوی/برابری جنسیتی» و «رفع تبعیض» که به‌کرات در سند ۲۰۳۰ یافت می‌شود، مفاهیمی برخاسته از انسان‌شناسی در دیدگاه فمینیستی است که به معنای شباهت در حقوق اختصاص یافته به زنان و مردان می‌باشد. (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۵: ۱۴۳) این موضوع با مبانی فکری اسلام در رابطه با زنان و نقش ایشان در خانواده و جامعه ناهماهنگ است؛ چراکه مفهوم «عدالت جنسیتی» در حقوق و دستاوردها مورد توجه اسلام است. مقام معظم رهبری در همین رابطه فرموده‌اند: «آن کسانی که در دنیا برابری جنسیتی را مطرح می‌کردند و دنبال آن بودند، امروز این قدر بدبختی و فساد از این ناحیه گریبان‌گیرشان شده که خودشان پشیمان‌اند؛ البته خیلی‌هایشان صریحاً اقرار نمی‌کنند، خیلی‌هایشان هم با این فرهنگ بزرگ شدند، نمی‌فهمند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ اما اندیشمندان‌شان چرا، اندیشمندان‌شان می‌گویند، می‌فهمند، اظهار نگرانی می‌کنند. خدا کند این کسانی که در داخل اسم عدالت جنسیتی می‌آورند، مرادشان این چیزی که به عنوان برابری جنسیتی مطرح شده، نباشد.» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۵/۱۲/۲۹) ایشان در تعریف مفهوم عدالت جنسیتی می‌فرمایند: «عدالت یعنی شناخت ظرفیت‌های خدا دادی و پرورش آن‌ها.» (همان)

ترویج ابزارهای پیشگیری از بارداری با هدف تنظیم خانواده، اشتغال برابر زنان و مردان در مناصب دولتی و جلوگیری از ازدواج کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) از جمله موارد ذکر شده در این سند است که دیدگاه فمینیستی نویسندگان سند را انعکاس

می‌دهد. به‌علاوه، مواردی در لفافه و در قالب ادبیات حقوقی، رفتارهای فمینیستی را بر مجریان این سند بار کرده است. به عنوان مثال، سازمان بهداشت جهانی یکی از مؤلفه‌های بهداشت باروری - که در این سند به لزوم تحقق آن اشاره شده - را آزادی سقط جنین می‌داند (WHO, n.d.) که این موضوع با دیدگاه فقه اسلامی نسبت به این مفهوم مغایرت دارد؛ و درک این اشارات پنهان به مؤلفه‌های فمینیستی، تنها از طریق آشنایی با ادبیات بین‌المللی در حوزه زنان و خانواده و مطالعه اسناد پشتیبان سند ۲۰۳۰ ممکن است. بالعکس اشاره به ارتقاء منزلت زنان با تاکید بر نقش مادری در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در کنار اشارات متعدد به خدامحوری در مبانی آن، به دیدگاه خدامحورانه الگوی پیشرفت در حوزه زنان و خانواده دلالت دارد.

۲-۳- اخلاق مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی: در بند پنجم سند ۲۰۳۰، در تبصره ۵-ج موضوع «تقویت و اتخاذ سیاست‌های مطمئن و مناسب و همچنین وضع قوانین قابل اجرا برای ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در کلیه سطوح» عنوان شده است که می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت‌ها در رابطه با زنان باشد.

به‌علاوه در موارد متعدد، به صورت عام بر لزوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مجریان این سند در اجرای تمامی بندهای آن در کشورهای مختلف تاکید شده است؛ که به طور ضمنی اجرای بند پنجم را نیز در بر می‌گیرد. در بند ۲ بخش «مقدمه» به مسئولیت دولت‌ها به عنوان نایب مردم در تصمیم‌گیری اشاره می‌نماید. در بند ۱۶ بخش «جهان امروز ما» به لزوم پایبندی مجدد به اهداف توسعه هزاره^۱، از جمله «بهداشت بارداری، پس از تولد و دوران کودکی و همچنین بهداشت باروری» تاکید شده است. مشابه بند ۲۶ بخش «دستور کار جدید» بر تعهد کشورها نسبت به «کاهش میزان مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان و مرگ‌ومیرهای دوران بارداری» و همچنین دسترسی جهانی به «خدمات مراقبت‌های بهداشتی در امور جنسی و باروری به ویژه با هدف تنظیم خانواده» تاکید کرده است. ذیل هدف ۱۶ سند، در چندین بند به لزوم «مسئولیت‌پذیری» و «پاسخگویی» دولت‌ها در همه امور اشاره شده است. در این سند، اشاره مستقیمی به نظارت مردمی بر اجرای سند صورت نگرفته و موضوع مشارکت مردم، غالباً تنها در رابطه با اجرای سند مطرح شده است.

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اشاره مستقیمی به لزوم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دولت‌ها در امور زنان و خانواده صورت نگرفته است. اما به طور عام، مفهوم «مسئولیت‌پذیری» به عنوان یکی از مؤلفه‌های حیات طیبه در بخش «آرمان‌ها» ی الگوی اسلامی پیشرفت مطرح شده است. در این سند، علاوه بر تاکید بر نظارت‌های رسمی و قانونی در امور اقتصادی و قضایی، در بند ۴۸ بخش «تدابیر»، به «ارتقاء نظارت رسمی، مردمی و رسان‌های بر ارکان و اجزای نظام ...» و در بند ۵۱ همین بخش، به «گزینش مسئولان و مدیران بر مبنای التزام عملی آنان به حد کفاف در معیشت و اهتمام ایشان به هنجارهای عدالت، صداقت، راست‌گویی، اعتماد، فداکاری و پاسخگویی» اشاره شده است که در زمره مؤلفه‌های مرتبط با اخلاق مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حکومت قابل طبقه‌بندی هستند و همچنین نهادهای سیاست‌گذار و مجری در حوزه زنان و خانواده نیز از مخاطبان آن‌ها می‌باشند.

در مجموع به نظر می‌رسد که سند ۲۰۳۰ در این بخش، با اشاره مستقیم و جزئی به موارد مطلوب نویسندگان این سند، دولت‌ها را موظف به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در حوزه زنان نموده است. در حالی که در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، چنین مواردی یافت نمی‌شوند و اشاره به اخلاقیات، به صورت عام در رابطه با تمامی امور حکمرانی صورت گرفته است که مشابه آن در موارد متعددی در سند ۲۰۳۰ یافت می‌شود. در الگوی پیشرفت، بر لزوم وجود این اخلاقیات در مسئولان مجری سند تاکید شده در حالی که در سند ۲۰۳۰ چنین مقوله‌ای یافت نمی‌شود. در هیچ یک از دو سند، به مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حکومت در خصوص امور مرتبط با خانواده اشاره مستقیم نشده است. بحث نظارت عمومی مردم بر ارکان نظام، در سند الگوی پیشرفت به طور عام مورد توجه بوده؛ در صورتی که در سند ۲۰۳۰ به آن اشاره نشده است.

۳-۳- عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در چارچوب قانون: در سند ۲۰۳۰، در بند اول هدف پنجم به «پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه زنان و دختران در همه جا» اشاره شده است. در تبصره اول و سوم این بند نیز موضوع تساوی جنسیتی در قالب عبارات «انجام اصلاحاتی برای برقراری تساوی حقوق زنان و مردان به‌منظور دسترسی زنان به منابع اقتصادی و امکان مالکیت و کنترل دارایی‌ها از قبیل: زمین و سایر اشکال دارایی توسط آنان و همچنین برقراری حق دسترسی زنان به خدمات

¹ Millennium Development Goals

مالی، ارثیه و منابع طبیعی، در راستای قوانین ملی کشورها» و «تقویت و اتخاذ سیاست‌های مطمئن و مناسب و همچنین وضع قوانین قابل اجرا برای ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در کلیه سطوح» به مفهوم برقراری تساوی میان امکانات و شرایط زنان و مردان اشاره شده است. تکرار عبارات «تساوی جنسیتی» و «رفع هرگونه تبعیض» و تأکید بر انجام تمامی فعالیت‌ها در چارچوب «قوانین» کشورها در این سند نیز بیانگر تأکید آن به بهانه‌های گوناگون بر برقراری شرایط مساوی برای دو جنس در کشورهاست. لزوم برقراری عدالت برای همگان از طریق حاکمیت قانون در عنوان هدف ۱۶ و بند سوم آن تصریح شده است. در این سند به مفهوم تفکیک قوا به صورت مستقیم اشاره نشده، اما بر تقویت و حمایت از دولت‌ها در راستای اجرای این سند در چندین مورد تأکید شده است. همچنین شایسته‌سالاری در انتخاب مسئولین، لزوم مشورت مسئولین با مردم و لزوم برقراری عدالت میان خانواده‌ها در این سند لحاظ نشده است.

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در بخش «تدابیر»، در بند ۲۱ و ۴۱ در قالب عبارت‌های «تحقق عدالت مالیاتی و کاهش فاصله‌های جمع درآمد خالص خانوار از طریق ایجاد نظام یکپارچه مالیات ستانی، تأمین اجتماعی و ارائه تسهیلات مالی با بهره‌گیری از سامانه جامع اطلاعاتی ملی» و «اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری» به برقراری عدالت برای خانواده‌ها و زنان با تأکید بر نقش خانوادگی زنان اشاره شده است. بند ۵۱ همین بخش، به گزینش شایسته‌سالارانه مسئولان در قالب عبارت «گزینش مسئولان و مدیران بر مبنای التزام عملی آنان به حد کفاف در معیشت و اهتمام ایشان به هنجارهای عدالت، صداقت، راست‌گویی، اعتماد، فداکاری و پاسخگویی» اشاره دارد و بند ۴۲، در قالب عبارت «ارتقای استقلال، اقتدار، پاسخگویی و تخصصی شدن نظام قضایی و تربیت و جذب قضات عالم و متعهد و دانش‌افزایی مستمر و نظارت بر عملکرد قضات و کارکنان قضایی و اصلاح و الکترونیکی کردن فرآیندهای دادرسی» بهبود و اصلاح عملکرد قوه قضاییه را در راستای تحقق آرمان‌های این سند، ضروری می‌داند. بر لزوم بهره‌گیری از مشورت جمعی نخبگان نیز در بخش «افق» سند اشاره شده است. در مواردی نیز به طور عام به لزوم برقراری عدالت در سطح جامعه اشاره شده است.

در مجموع به نظر می‌رسد که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، علاوه بر اشاره مستقیم به لزوم برقراری عدالت میان زنان و مردان و عدالت اقتصادی میان خانواده، اشاراتی هر چند کلی به تمامی ابعاد برقراری عدالت -که امکان تأثیرگذاری بر امور زنان و خانواده را دارند- داشته است، در حالی که در سند ۲۰۳۰، اکثراً به برقراری تساوی میان زن و مرد اشاره شده و برخی مؤلفه‌های مورد نظر در حوزه عدالت، مغفول مانده‌اند.

باید توجه داشت که چنانکه ذکر شد، مفهوم تساوی جنسیتی در سند ۲۰۳۰، مخالف رویکرد اسلام نسبت به جنسیت و زنان است و از این‌رو، پیوستن به این سند، به جهت عدم هماهنگی مبانی و اهداف آن با مبانی و اهداف سایر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی، باعث ایجاد تشقت در جهت‌گیری‌ها و چارچوب‌های قانونی خواهد شد؛ که این خود فرآیند برقراری عدالت را خدشه‌دار می‌کند.

۴-۳- اثربخشی و کارایی حکومت: در سند ۲۰۳۰، بر لزوم اثربخشی و کارایی دولت‌ها در امور مربوط به زنان و خانواده توجه ویژه‌ای شده است. در بندهای چهارم و ششم هدف ۵ سند، بر «به رسمیت شناختن و ارج نهادن به مراقبت‌های داخل منزل و خانه‌داری (کار در منزل) بدون دستمزد از طریق: تأمین خدمات عمومی، ایجاد زیربناها و تنظیم سیاست‌های حفاظت اجتماعی و ترویج مسئولیت مشترک در منزل و در محیط خانواده تا حدی که مقررات ملی اجازه دهند» و «ضمانت دسترسی جهانی به بهداشت باروری و جنسی و دسترسی به حقوق باروری در راستای توافقی‌های انجام‌شده در جریان کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه و اعلامیه و برنامه اقدام پکن و بر مبنای اسناد نهایی به دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری برگزارشده در این ارتباط» اشاره شده است که می‌توان این موارد را هم‌راستا با اثربخشی و کارایی حکومت در نظر گرفت. در بند ۲۵ از بخش «دستور کار جدید» نیز بیان شده است: «ما همچنان تلاش می‌کنیم که کودکان و جوانان در محیطی سازنده رشد کنند تا استعدادهايشان شکوفا شود و از تمامی حقوق حق خود بهره‌مند شوند و به این ترتیب، به کشورها کمک می‌کنیم تا در سایه بهره‌مندی از سود جمعیتی، از طریق: ایجاد مدارس امن و جوامع و خانواده‌های منسجم، توان رشد اقتصادیشان را ارتقاء بخشند». در بسیاری از بندهای مقدماتی سند نیز به مصادیقی از کارایی و اثربخشی حکومت اشاره شده که در حوزه زنان و خانواده قابل تعمیم هستند. در این سند، برقراری ثبات سیاسی در کشورها به عنوان نتیجه‌ای از اثربخشی و

کارآیی دولت‌ها مورد توجه نبوده است.

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بند ۳۸ و ۴۱ بخش «تدابیر» تحت عنوان «تنظیم نرخ باروری در بیش از سطح جانشینی» و «اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقای جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری» را می‌توان به عنوان مصادیق اثربخشی نظام در حوزه زنان و خانواده دانست. توجه به «بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت» و «بیل به کفاف» در میان مؤلفه‌های حیات طیبه در آرمان‌های سند را می‌توان مصادیق هدف‌گذاری سند در راستای تحقق کارآمدی و اثربخشی دولت‌ها دانست. در خصوص تحقق ثبات سیاسی به عنوان نتیجه اثربخشی و کارآیی حکومت، در این سند در بند ۴۵ بخش «تدابیر» به «حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی» اشاره شده و در بخش «افق»، ایران را به عنوان «عامل اصلی وحدت و اخوت اسلامی، ثبات منطقه‌ای و عدالت و صلح جهانی» ترسیم کرده است.

در مجموع می‌توان گفت که سند ۲۰۳۰، مؤلفه‌های کارآمدی حکومت در حوزه زنان را با جزئیات مطابق اهداف سند برشمرده و چارچوب آن را به طور دقیق تعیین کرده است که این موضوع در الگوی پیشرفت مصداق ندارد. در عرصه خانواده، هر دو سند دارای اشاره‌هایی به مصادیق کارآیی و اثربخشی حکومت هستند. طرح بحث ثبات سیاسی کشورها به عنوان یک هدف، در سند ۲۰۳۰ جایی ندارد در حالی که در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد تأکید بوده است.

۵-۳- حمایت از محرومان و مستضعفان: در سند ۲۰۳۰، در بندهای دوم و سوم هدف ۵، عبارات «ریشه‌کنی همه انواع خشونت علیه زنان و دختران در حوزه‌های عمومی و خصوصی، از جمله: در زمینه قاچاق انسان و سوءاستفاده‌های جنسی و غیره» و «ریشه‌کنی همه اقدامات زیان‌بار مانند ازدواج کودکان، ازدواج در سنین بسیار پایین و ختنه زنان» حاکی از توجه نویسندگان سند به قشر محروم و مستضعف در چارچوب تعریف فمینیستی از زن و خانواده هستند. به‌علاوه دختران و زنان در مواردی به عنوان مثال‌هایی از «قشر آسیب‌پذیر» معرفی شده و بر حمایت از آن‌ها تأکید شده است.

این در حالی است که در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، هیچ اشاره‌ای به صورت مستقیم به قشر آسیب‌پذیر و الزامات نظام در تعامل با این قشر صورت نگرفته است و تنها در بخش «افق» سند به از بین رفتن «فقر» اشاره شده است.

در مجموع به نظر می‌رسد سند ۲۰۳۰ به مصادیق حمایت از محرومان و مستضعفان در عرصه زنان و خانواده به صورت روشن و دقیق اشاره کرده و راهکارهای عملیاتی متعددی در این زمینه ارائه کرده است، در صورتی که الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اشاره مستقیمی به این مسائل ندارد.

۶-۳- تأمین منافع ملی: در این مؤلفه، ابتدا باید توجه داشت که تعیین مصداق تأمین منافع ملی در عرصه زنان و خانواده به طور خاص و به عنوان مفهومی جدا از کلیت جامعه، مشکل می‌نماید و از این‌رو در هر چارچوب فکری مصادیق متفاوتی می‌یابد. لذا می‌توان کمبود مصادیق این مؤلفه را در این دو سند، امری طبیعی دانست. اما از طرف دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که واسپاری تصمیم‌گیری در عرصه زنان و خانواده به دولت‌ها ضمن آگاهی بخشی به آن‌ها، خودبه‌خود منجر به تأمین منافع ملی دولت‌ها خواهد شد؛ در صورتی که ارائه سندی عام و فراگیر برای همه دولت‌ها (مشابه سند ۲۰۳۰) خودبه‌خود نمی‌تواند مطابق با اهداف همه دولت‌ها باشد و منافع همگان را تضمین کند؛ چراکه دولت‌ها بالطبع در تضاد منافع با یکدیگر قرار دارند.

به‌هر تقدیر، در این دو سند اشاره مستقیمی به تأمین منافع ملی، به‌گونه‌ای که بتوان آن را به عرصه زنان و خانواده ربط داد وجود ندارد و مرتبط‌ترین موارد اشاره‌شده، بهبود وضعیت اقتصادی کشور است که در درازمدت بر اقتصاد خانوار و پدیده‌های اجتماعی مرتبط با آن اثرگذار خواهد بود.

۷-۳- اهتمام به جلب مشارکت مردم: در بند پنجم از هدف ۵ سند ۲۰۳۰، در قالب عبارت «تضمین مشارکت کامل و مؤثر زنان و در اختیار قرار دادن فرصت‌های برابر (با مردان) برای انتصاب به مسئولیت‌های بسیار بالا در همه سطوح تصمیم‌گیری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و همچنین در زندگی عمومی» به صورت مستقیم بر مشارکت زنان در جامعه تأکید شده است. به‌علاوه، در این سند موارد متعددی ناظر بر مشارکت همه ملت‌ها در اجرای این سند یافت می‌شود؛ که بند ۳۹ بخش «روش‌های اجرا» یکی از آن‌هاست: «دانه و ماهیت دستور کار جدید، به یک مشارکت جهانی از نو پویا شده‌ای که ضامن اجرای آن باشد، نیازمند است...». در بند ۷۹ بخش «سطوح ملی»، کشورها به بازبینی دوره‌ای فرآیند توسعه در سطوح ملی و محلی با مشارکت عموم مردم از جمله افراد بومی تشویق شده‌اند؛ که می‌توان این مفهوم را به معنای برقراری تعامل رودرروی

حکومت و ملت دانست. در این سند در نمونه‌های متعدد به تفاوت‌های فردی و قومی افراد اشاره شده است که نمونه آن در بند ۳۶ بخش «دستور کار جدید» قابل مشاهده است: «ما به ترویج تفاهم و احترام متقابل، بردباری و تحقق اخلاق شهروندی جهانی و مسئولیت مشترک، متعهد می‌شویم. ما به تنوع طبیعی و فرهنگی جهان اذعان داریم و به این باور رسیده‌ایم که همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها می‌توانند در تحقق توسعه پایدار مشارکت داشته باشند و عاملان مهمی برای تحقق آن هستند.» در بند ۴۷ بخش «بازبینی و پیگیری» به لزوم شفافیت در مراحل اجرای این سند اشاره شده است: «دولت‌های ما، مسئولیت مهم پیگیری و بررسی پیشرفت حاصل از اجرای اهداف اصلی و فرعی دستور کار حاضر را در سطوح مختلف ملی، منطقی‌های و جهانی در ۱۵ سال آینده بر عهده خواهند داشت. به منظور حمایت از شفافیت در قبال شهروندان خویش، ما امکان پیگیری و بررسی نظام‌مند اجرای دستور کار حاضر را در سطوح مختلف یادشده مطابق با موارد مندرج در این دستور کار و همچنین در دستور کار اقدام آدیس‌آبابا فراهم می‌کنیم...».

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اشاره مستقیمی به مشارکت زنان نشده است، اما مصادیق کلی مشارکت و مردم‌سالاری، در چهار بند ۱، ۱۵، ۱۶ و ۳۷ از بخش «تدابیر» در قالب عبارات «گسترش فهم عمیق و تحکیم نظریه مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه»، «حفظ و تقویت مردم‌سالاری دینی، مشارکت مردمی، عدالت و ثبات سیاسی»، «گسترش و تقویت تشکلهای مردمی به منظور افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم ساختار» و «همکاری بین‌بخشی و مشارکت نظام‌مند مردمی در ارتقای سلامت با اولویت پیشگیری و کنترل عوامل تهدیدکننده» صورت گرفته است که هر کدام را می‌توان به طور عام به زنان و خانواده نیز مرتبط دانست. بند ۱۰ همین بخش تحت عنوان «هتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی ایرانی به ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین» می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر زنان و خانواده مؤثر باشد. باید توجه داشت که دیدگاه جامعه‌شناختی سند در خصوص این تفاوت‌ها این است که «جوامع با وجود پاره‌ای تفاوت‌ها، تحت تأثیر سنن الهی و قوانین تکوینی مشترک و فراگیر هستند» و لذا عدم تأکید ویژه بر تنوع مردم در این سند در مقایسه با سند ۲۰۳۰، می‌تواند برخاسته از این ایدئولوژی باشد. در بند ۵۰ همین بخش نیز بر «شفاف‌سازی فرآیندهای تخصیص امکانات و امتیازات دولتی» تأکید شده است؛ که می‌تواند به صورت غیرمستقیم بر امور مرتبط با زنان نیز تأثیرگذار باشد. در مجموع می‌توان گفت که هر دو سند به تمامی مصادیق مشارکت به صورت عمومی پرداخته‌اند، اما سند ۲۰۳۰ با رویکرد فمینیستی به تأکید مستقیم بر مشارکت زنان در جامعه پرداخته است که نمونه آن با رویکرد اسلامی در الگوی پیشرفت یافت نمی‌شود.

۸-۳- **اهتمام به پیشرفت علمی و فرهنگی مردم:** در تبصره ب هدف ۵ سند ۲۰۳۰، به «ارتقای کاربرد فناوری توانمندکننده، به‌ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور ترویج توانمندسازی زنان» اشاره شده است. همچنین به طور کلی هدف ۴ سند ناظر بر آموزش و تعلیم و تربیت است و همه مخاطبان از جمله زنان را دربرمی‌گیرد. خصوصاً در بند هفتم این هدف که به «ضمین فراگیری دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای ترویج توسعه پایدار» اشاره می‌کند، «سلاوی جنسیتی» به عنوان یکی از مصادیق این موضوع معرفی می‌شود. محتوای تعلیم و تربیت مذهبی، هم‌زمانی و هم‌ملیت بودن حکمران با مردم و لزوم توجه به امر به معروف و نهی از منکر در این سند مورد توجه قرار نگرفته است.

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، خانواده به عنوان «بنیادی‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه معرفی شده که نقشی بی‌بدیل در تولید، حفظ و ارتقای فرهنگ جامعه دارد»، تعریف شده است. از این‌رو هر آنچه در تقویت جایگاه خانواده در این سند ذکر شده را می‌توان به صورت غیرمستقیم با برنامه‌ریزی در خصوص ارتقاء فرهنگی جوامع مرتبط دانست. به علاوه بند ۹ بخش «تدابیر» در این سند به «تبیین، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی ایرانی سالم و خانواده‌محور با تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده و ارتقای فرهنگ سلامت در همه ابعاد» اشاره دارد؛ که علاوه بر خانواده محور بودن آموزش، بر اسلامی بودن محتوای آن نیز تأکید کرده است. لزوم اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر جهت پیشگیری از نزول عذاب الهی از جمله مواردی است که به صورت غیرمستقیم در مبانی جامعه‌شناختی سند ذکر شده است؛ اما مصداق آن در رابطه با زنان و خانواده بیان نشده است. در رابطه با هم‌زمانی و هم‌ملیت بودن حکمرانان با مردم اشاره‌ای صورت نگرفته است.

به نظر می‌رسد سند ۲۰۳۰ در این بخش بیشتر بر روی زنان تمرکز داشته در صورتی که الگوی پیشرفت، تمرکز بیشتری روی خانواده دارد. نقش محتوای تعلیم و تربیت مذهبی و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در الگوی پیشرفت پررنگ‌تر است و

هیچ یک از دو سند اشاره‌ای به ملیت و زبان حکمرانان نداشته‌اند.

۹-۳- تأمین کرامت انسان‌ها و حق آزادی: در سند ۲۰۳۰، «کرامت» یکی از عناصر تسهیل‌کننده در روابط بین کشورهای هم‌پیمان در این سند است و از این‌رو این کلمه بارها در سند مورد توجه قرار گرفته است. واژه «آزادی» نیز از جمله کلیدواژه‌هایی است که در این سند بارها به آن اشاره شده است. موارد استفاده از این دو واژه با وجود عام بودن و عدم تخصیص به حوزه زنان و خانواده، به این حوزه قابل‌تعمیم هستند. با این وجود شاید بتوان بند سوم هدف ۵ این سند را به‌صورت غیرمستقیم با تحقق آزادی در دیدگاه فمینیستی هم‌راستا دانست: «ریشه‌کنی همه اقدامات زیان‌بار مانند ازدواج کودکان، ازدواج در سنین بسیار پایین و ختنه زنان».

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در بخش انسان‌شناسی، منشاء کرامت ذاتی همه انسان‌ها، نفخه روح الهی در وجود آن‌هاست. اشاره عام به این کلمه، به‌جز در موردی که به حفظ کرامت معلمان اشاره کرده، یافت نمی‌شود و در حوزه زنان و خانواده، می‌توان بند ۴۱ بخش «تدابیر» را تا حدودی در راستای این مفهوم در نظر گرفت: «اعتلای منزلت و حقوق زنان و ارتقاء جایگاه اجتماعی و فرصت‌های عادلانه آنان و تأکید بر نقش مقدس مادری». در این سند به مفهوم «آزادی مسئولانه» در موارد متعدد اشاره شده که به حوزه زنان و خانواده نیز قابل‌تعمیم است.

در مجموع سند ۲۰۳۰ و الگوی پیشرفت، هر دو به طور عام بر مفاهیم حفظ کرامت انسان‌ها و آزادی تأکید داشته‌اند، اما تأکید سند ۲۰۳۰ در حوزه زنان و خانواده، بیشتر معطوف به مفهوم آزادی بوده و الگوی پیشرفت، بیشتر بر حفظ کرامت و ارتقاء منزلت اجتماعی تأکید داشته است.

۱۰-۳- مبارزه با فساد و جرم و تأمین امنیت مردم: بند دوم هدف ۵ سند ۲۰۳۰ عبارت است از: «ریشه‌کنی همه انواع خشونت علیه زنان و دختران در حوزه‌های عمومی و خصوصی، از جمله: در زمینه قاچاق انسان و سوءاستفاده‌های جنسی و غیره»؛ که می‌توان این بند را هم‌راستا با مؤلفه مبارزه با فساد و جرم تلقی کرد. در این سند، در بند ۳۵ بخش «دستور کار جدید» تحقق امنیت به عنوان مقدمه دستیابی به اهداف توسعه پایدار عنوان شده است و در موارد متعدد دیگر، به لزوم تحقق آن اشاره شده است. در مجموع هدف ۱۶ این سند را می‌توان هم‌راستا به این مفهوم در نظر گرفت؛ که بندهای آن اکثراً قابلیت تعمیم به حوزه زنان و خانواده را دارند.

در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در بخش‌های «آرمان‌ها» و «افق» در چند مورد به تأمین «امنیت همه جانبه» و همچنین به از بین رفتن «فساد» اشاره شده است و به علاوه در بند ۴۳ بخش «تدابیر»، در قالب عبارت «طراحی و اجرای راه‌های پیشگیری از جرم و افزایش آگاهی و اخلاق اجتماعی و تقوای عمومی» موضوع کاهش جرم و فساد مورد توجه بوده است؛ که همه این موارد قابلیت تعمیم به حوزه زنان و خانواده را دارند.

در مجموع به نظر می‌رسد هر دو سند دارای موارد متعددی از اشاره به مصادیق پیشگیری از فساد و جرم و تأمین امنیت به طور عام هستند که قابلیت تعمیم به حوزه زنان و خانواده را داراست؛ اما سند ۲۰۳۰ در یک مورد به این موضوع به صورت مستقیم نیز اشاره کرده است.

۴- بحث و نتیجه‌گیری

در جدول ۱، محتوای دو سند براساس مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلامی با یکدیگر مقایسه شده است:

جدول ۱ مقایسه سند ۲۰۳۰ و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام در حوزه زنان و خانواده

ردیف	مؤلفه	سند ۲۰۳۰			الگوی پیشرفت		
		عام	خانواده	زنان	عام	خانواده	زنان
۱	خدامحوری				×	×	×
۲	اخلاق مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی	×	×	×	×		
۳	عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در چارچوب قانون	×	×	×	×	×	×
۴	اثربخشی و کارایی حکومت	×	×	×	×	×	×
۵	حمایت از محرومان و مستضعفان	×	×	×	×		
۶	تأمین منافع ملی			×	×		

۷	اهتمام به جلب مشارکت مردم				×	×	×
۸	اهتمام به پیشرفت علمی و فرهنگی مردم				×	×	×
۹	تأمین کرامت انسان‌ها و حق آزادی				×	×	×
۱۰	مبارزه با فساد و جرم و تأمین امنیت مردم				×	×	×

در مجموع می‌توان در رابطه مقایسه این دو سند در عرصه زنان و خانواده به نکات ذیل اشاره نمود:

- الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت، بیشتر به صورت کیفی و آرمان‌گرایانه تدوین شده است، در حالی که سند ۲۰۳۰ علاوه بر بیان اهداف کیفی و آرمان‌گرایانه، با جزئیات به بیان اهداف مطلوب نویسندگان آن پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که حتی در مواردی میان مصادیق اهداف ذکرشده، همپوشانی و تکرار یافت می‌شود. علاوه بر اینکه اکثر موارد ذکرشده در بندهای این سند، قابل ارزیابی و اندازه‌گیری بوده و شاخص‌های اندازه‌گیری آن از سوی یونسکو منتشر شده است. این موارد، در کنار تعریف چارچوب‌های نظارت بر اجرای صحیح آن در کشورها در متن سند، سبب می‌شوند که سند ۲۰۳۰ در مقایسه الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، ضمانت اجرایی بیشتری داشته باشد و همچنین دریافت بازخور از مجریان و عموم مردم و اصلاح فرآیندهای اجرایی آن را با سهولت بیشتری پیش ببرد. در حالی که ابهام و کلیت بندها در الگوی پیشرفت، می‌تواند عامل برداشت‌های چندگانه و سوء تفاهم برای قانونگذاران و مجریان باشد و توضیح هر یک از آن‌ها، خود نیازمند نگارش اسناد دیگری است!
- سند ۲۰۳۰ از سوی یونسکو، براساس مبانی انسان‌گرایانه و مبتنی بر دیدگاه فمینیستی نسبت به زنان و نقش خانوادگی و اجتماعی ایشان نوشته شده و این مفهوم به قدری در سند پررنگ و کلیدی است که پذیرش و پیوستن به آن، حتی با حق تحفظ، منوط به پذیرفتن این مبانی لاقدر در عرصه عمل است. به بیان دیگر، عدم پذیرش این قوانین اساساً با روح سند مغایر بوده و این موضوع در بخش‌های متعدد سند تصریح شده است. این در حالی است که الگوی پیشرفت، مبتنی بر جهان‌بینی خدامحور تدوین شده و از این‌رو به لحاظ مبانی و اهداف با نظام جمهوری اسلامی ایران سازگاری بسیار بیشتری دارد؛ هر چند لازم است دقت شود که جزئیات اجرایی آن با پرهیز از التقاط و بازتولید اسناد غربی، همین اهداف و آرمان‌های والا را دنبال کنند.
- تمامی مولفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به صورت عام مورد توجه بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این اشارات قابلیت تعمیم به حوزه زنان و خانواده را نیز دارند. این در حالی است که خدامحوری، به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه این نوع از حکمرانی که پایه و اساس شکل‌گیری و معنابخشی به سایر مولفه‌های آن است، در سند ۲۰۳۰ مورد توجه نبوده است. از این‌رو با اینکه بقیه مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام در ظاهر در سند ۲۰۳۰ ذکر شده، اما به دلیل عدم هماهنگی آن‌ها با اصل توحید و خدامحوری، در معنا و اجرا نتایج متفاوت و حتی مغایر با الگوی پیشرفت خواهد داشت. به این ترتیب در صورتی که هر دوی این اسناد به عنوان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در حوزه زنان در نظر گرفته شوند، ممکن است زمینه ایجاد تشتت و سپس نقض غرض در اجرای برخی از اهداف حکمرانی خوب از منظر اسلام، از جمله برقراری عدالت و یا جلوگیری از جرم و فساد فراهم شود.
- با توجه به جدول ۱، به نظر می‌رسد در حکمرانی براساس سند ۲۰۳۰ (مبتنی بر فمینیسم) غالباً زنان به صورت مستقل از خانواده مورد توجه هستند، در صورتی که در براساس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (مبتنی بر دین اسلام) غالباً زنان در عرصه خانواده مورد توجه قرار گرفته و برای آن‌ها سیاست‌گذاری می‌شود؛ که مورد دوم با تعریف اسلام از زن و خانواده سازگاری و تطبیق بیشتری دارد.

۵- پیشنهادها

- با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهادهایی جهت انطباق هر چه بیشتر فرآیند اجرای الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام ارائه می‌شود:
- لازم است در فرآیند اجرای این سند، جزئیات فرآیندهای اجرایی هر یک از تدابیر، مبتنی بر دیدگاه اسلام در حوزه

زنان و خانواده در قالب اسنادی جداگانه به تفصیل عنوان شوند؛ به گونه‌ای که هر یک از بندهای آن‌ها قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری و ارزیابی داشته باشند.

- در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اثری از برنامه‌ریزی و تدبیر در رابطه با زنان سرپرست خانوار، فرزندان طلاق، خانواده شهدا و جانبازان و سایر اشکال مشروع خانواده نیست و ظاهراً سیاست‌گذاری موثری در رابطه با ایشان صورت نگرفته است؛ که لازم است این موضوع در تدوین فرآیندهای اجرایی آن اصلاح شود و متناسب با اقتضائات هر یک، مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام در سیاست‌گذاری آن حوزه مورد توجه قرار گیرند.
- تبیین رابطه تأمین منافع ملی با حکمرانی خوب از منظر اسلام در حوزه زنان و خانواده می‌تواند موضوع مطالعاتی علمی در عرصه حکمرانی باشد و فرصت بهبود حکمرانی و سیاست‌گذاری در این عرصه را نیز فراهم آورد.
- در سال‌های اخیر، در تحقیقات علمی فراوانی به ابعاد و اقتضائات مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی از منظر اسلام پرداخته شده است. به وضوح انعکاس نتایج این مطالعات در فرآیند سیاست‌گذاری می‌تواند در تبیین هر چه دقیق‌تر تأثیر و چارچوب مشارکت زنان در سطوح مختلف حکمرانی اسلامی به عنوان عضوی از جامعه یا یکی از مسئولان نظام مؤثر باشد.
- انتخاب بانوان به عنوان مسئول رسیدگی به مشکلات بانوان در سطوح و عرصه‌های گوناگون، به دلیل درک بهتر ایشان از نیازها و مشکلات هم‌جنسان خود، زمینه بهبود کارایی و تاثیرگذاری بیشتر و جلب رضایت عموم مردم را فراهم می‌سازد و از این رو لازم است در فرآیند اجرای الگوی پیشرفت با دقت و لحاظ کردن ملاحظات آن گنجانده شود.
- وجود مسائل و مشکلات برای زنان در داخل و خارج از محیط خانواده، قابل انکار نیست و نیازمند توجه حکمرانان است؛ چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «باید عوامل سلب آرامش و سکینه روحی زن در خانواده را جستجو کرد و با شیوه‌های گوناگون از جمله قانون و تبلیغ صحیح، این موانع را برطرف کرد.» (دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۰۱/۳۰) اما قانونگذاری در خصوص این‌گونه آسیب‌ها و جرائم در رابطه با زنان از منظر اسلام، فرآیندی مشکل و حساس است و در عین حال عدم وجود قوانین منطبق با دیدگاه اسلام در این حوزه، برخی از مسئولان را به پیوستن به اسناد بین‌المللی نظیر «کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان»^۱ تشویق کرده است؛ که این معاهدات بین‌المللی، اکثراً مبتنی بر دیدگاه فمینیستی و دارای تضاد با نگاه اسلام هستند. از این رو ضروری است با فوریت در چارچوب مبانی موردپذیرش در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، اسنادی با هدف مبارزه با جرائم و ظلم نسبت به زنان تدوین شوند.

۶- مراجع

- اعظم رامپناهی، ناهید (۱۳۹۱)، اصلاح نگرش به زن، با بازخوانی قرائت حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری از جایگاه زن در اسلام؛ برگرفته از: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، اندیشه‌های راهبردی؛ زن و خانواده، پیام عدالت، جلد اول، چ ۱.
- آقایی جنت‌مکان، حسین، نوروزی، نورمحمد، موسوی، سید زین‌العابدین (۱۳۹۷)، نقش اخلاق اسلامی در حکمرانی مطلوب، پژوهش‌های اخلاقی، شماره ۳۲، صص ۲۰۳-۲۲۴.
- بردبار، غلامرضا، ضرابی زاده، شیما، صالحی، طاهر (۱۳۹۴)، ارائه الگوی حکمرانی خدامدار، مدیریت اسلامی، شماره ۱۰، صص ۹-۴۲.
- پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، پژوهش ابعاد حکمرانی اخلاقی در فحوای عهدنامه امیر (ع)، پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۳۰، صص ۱۱۵-۱۳۲.
- پورعزت، علی‌اصغر، ظفری، حسین، همایون، محمدهادی، ذوالفقارزاده، محمدمهدی (۱۳۹۶)، مختصات یابی از تصویر مطلوب حکمرانی زمینه‌ساز ظهور، مدیریت اسلامی، شماره ۲۰، صص ۱۱-۴۰.

¹ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women

- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۵)، دلالت‌های جمعیت‌شناختی نظریه فمینیستی، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲۷.
- حسینی‌تاش، سید علی، واثق، قادر علی (۱۳۹۳)، حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۸، صص ۷-۲۸.
- دباغ، سروش، نفری، ندا (۱۳۸۸)، تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب، مدیریت دولتی (دانشگاه تهران)، شماره ۳، صص ۳-۱۸.
- شاکری، حمید، سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۳)، تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا، مطالعات حقوقی، د ۶، شماره ۴، صص ۲۶-۵۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل، جامه‌بزرگی، آمنه (۱۳۹۲)، نظریه حکمرانی خوب از دیدگاه نهج‌البلاغه، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، شماره ۲، صص ۱-۱۸.
- شریف‌زاده، فتاح، قلی‌پور، رحمت اله (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب و نقش دولت، مدیریت فرهنگ سازمانی، شماره ۴، صص ۹۳-۱۱۰.
- عظیم زاده، فائزه، معینی فر، محدثه (۱۳۹۱)، تقابل فمینیسم و کارکردهای خانواده؛ برگرفته از: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، اندیشه‌های راهبردی؛ زن و خانواده، پیام عدالت، جلد اول، چ ۱.
- عیوضی، محمدرحیم، مرزبان، نازنین (۱۳۹۵)، بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر امام خمینی (ره)، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۹، صص ۱۱۷-۱۳۷.
- کشاورز شکری، عباس، شجاعی، جبار (۱۳۹۵)، تبلور حکمرانی خوب در اندیشه و سیره سیاسی امام خمینی (ره)، مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سال ۲، شماره ۲، صص ۲۹-۵۲.
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۴)، سلسله‌تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: پارادایم تعالی جایگزین پارادایم توسعه: ضرورت تحول در چارچوب شاخص‌گذاری برای پیشرفت، نشر الگوی پیشرفت، چ ۱.
- مستقیمی، مهدیه سادات (۱۳۹۵)، تحلیل معنای حکمرانی شایسته با تأکید بر آموزه‌های قرآنی، فقه حکومتی، سال ۱، شماره ۱، صص ۸۹-۱۱۴.
- مهدوی‌زادگان، داوود (۱۳۹۱)، نظام اسلامی، زنان و مسئله فمینیسم؛ برگرفته از: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی، اندیشه‌های راهبردی؛ زن و خانواده، پیام عدالت، جلد اول، چ ۱.
- ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸)، حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی، علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره ۷۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، بابایی، فهیمه (۱۳۹۴)، طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی، اقتصاد اسلامی، شماره ۵۷، صص ۳۱-۶۲.
- بیانات مقام معظم رهبری، برگرفته از:

<http://farsi.khamenei.ir/speech>

- سازمان ملل متحد (بی‌تا)، دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار، مترجم: مهرناز پیروز نیک، برگرفته از:

<https://www.un.org.ir/images/Documents/20170529sdg.pdf>

- مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، (بی‌تا)، الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، برگرفته از:

<http://olgou.ir/index.php/fa/component/banners/click/2>

- WHO (n.d.), Abortion: Sexual and reproductive health, retrived from: https://www.who.int/reproductivehealth/publications/unsafe_abortion/en/